

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# انقلاب دوم

مروری بر تسخیر لانه جاسوسی آمریکا و پیامدهای آن



عنوان	انقلاب دوم
نویسنده	جمعی از پژوهشگران
تاریخ انتشار	آذر ماه ۱۳۹۳
ناشر	اندیشکده برهان
وبگاه	<a href="http://www.BORHAN.ir">www.BORHAN.ir</a>
رایانامه	<a href="mailto:info@borhan.ir">info@borhan.ir</a>
سامانه پیامکی	۱۰۰۰۲۸۷
آدرس	تهران، خیابان کریمخان، جنب پل، نرسیده به خیابان سنایی، شماره ۱۰۱، طبقه ۴
تهیه شده در اندیشکده برهان به سفارش سازمان بسیج دانشجویی	

## امام خمینی (ره)

به لطف خداوند بزرگ، ملت ما توانسته است در اکثر زمینه‌هایی که شعار داده است به موفقیت نایل شود. ما شعار سرنگونی رژیم شاه را در عمل نظاره کرده‌ایم، ما شعار آزادی و استقلال را به عمل خود زینت بخشیده‌ایم، ما شعار «مرگ بر امریکا» را در عمل جوانان پرشور و قهرمان و مسلمان در تسخیر لانه فساد و جاسوسی امریکا تماشا کرده‌ایم، ما همه شعارهایمان را با عمل محک زده‌ایم.

## رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت امام خامنه‌ای

حرکت نسبت به سفارت امریکا - که به حق «لانه جاسوسی» نامیده شد و واقعاً هم مرکز جاسوسی بود - در حقیقت تبلوری از حقایق این انقلاب و ملت بود. این حرکت نشان داد که ملت ما در مقابل قدرتِ پر گویِ پرخواه متوقعِ مغرورِ مستکبری مثل امریکا هم، تا همه جا ایستاده است.



# فهرست

۸	اشاره
۱۰	سیزدهم آبان ماه
۲۲	چرا تسخیر؟
۳۴	پس از تسخیر
۴۸	قطع رابطه
۵۶	امام و رابطه با آمریکا

## ❖ اشاره

---

تسخیر سفارت آمریکا در تهران به دست دانشجویان انقلابی خط امام در ۱۳ آبان‌ماه ۱۳۵۸ یکی از رویدادهای بسیار مهم و تأثیرگذار بر تحولات سیاسی جاری در منطقه و جهان در خصوص ایران و آمریکا به شمار می‌رود که سرآغاز چالشی بزرگ در روابط ایران و ایالات متحده‌ی آمریکا محسوب می‌شود. ارتباط جمهوری اسلامی ایران با دولت ایالت متحده‌ی آمریکا که از نظر بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، شیطان بزرگ است؛ به محل مناقشه و حتی افتراق بسیاری از جریانات و افراد در داخل جغرافیای انقلاب اسلامی تبدیل شده است. ارتباط با آمریکا، مسئله‌ای است که اکثر جریانات سیاسی بعد از انقلاب، موضع خود را درباره‌ی آن مطرح می‌کنند.

حال سؤال اینست که آیا قطع ارتباط با آمریکا به بهانه‌ی تسخیر لانه‌ی جاسوسی و حوادث بعدی، صرفاً یک منافشه‌ی مقطعی در حوزه‌ی سیاست خارجی بوده



است؟ یا به گفته‌ی تجدیدنظر طلبان، این حادثه در اثر التهابات و فضای هیجانی اول انقلاب رخ داده است؟ و یا اینکه بهانه‌ای برای ایجاد دشمن خیالی و تولید اتحاد ملی پوشالی؟ اینها همه شبهاتی است که اگر بخوبی جواب داده نشود، می‌تواند پیرامون این مسئله بظاهر عادی بروز کند. مسئله‌ای که سنگ محک عملکرد بسیاری از سیاسیون در ایران و آمریکا شده است. در این مجموعه قصد داریم با ارائه‌ی شواهدی مستند و مستدل، ثابت کنیم که تسخیر لانه‌ی جاسوسی و قطع رابطه با آمریکا و استمرار آن تاکنون، علاوه بر جنبه‌ی ایدئولوژیک انقلاب اسلامی در نفی نظام سلطه، دارای براهین منفعت محورانه برای انقلاب اسلامی نیز بوده است. یعنی به اثبات عینی مضمون فرمایش رهبر معظم انقلاب اسلامی در بی‌فایده بودن مذاکره و رابطه با آمریکا که در جمع مسئولین وزارت خارجه فرمودند:

«... این مذاکرات هسته‌ای، یک تجربه ذی‌قیمت بود که متوجه شویم مذاکره با آمریکا، مطلقاً تأثیری در کم کردن دشمنی ندارد و بی‌فایده است.»

لذا در این مجموعه تلاش گردیده از زوایای گوناگون، ابعاد این ماجرا و پیامدهای آن مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. لازم به ذکر است که در تدوین این مجموعه از پژوهشگران و اندیشمندانی محترم آقایان دکتر رضا سراج، حجت الله کریمی، سعید احمدی، سرکار خانم فاطمه تفتیان و الهه خانی، تقدیر و تشکر به عمل می‌آید.

## ❖ سیزدهم آبان ماه

---

۱۳ آبان، همواره یادآور حوادث مهمی است که در شکل‌گیری انقلاب اسلامی و بیرون راندن مظهر استکبار یعنی «آمریکا» از ایران نقش اساسی داشته است. این روز مصادف با ۳ رخدادهای بسیار مهم است که نقش مؤثری در شکل دادن به انقلاب اسلامی و استمرار آن داشته و ماهیت و هویت هر ۳ رویداد مبارزه با استکبار، نظام دست‌نشاندهی آن و مداخله‌ی آمریکا در امور داخلی ایران بوده است؛ به همین دلیل ۱۳ آبان ماه، هر سال یادآور مبارزه با استکبار می‌باشد و این روز «روز ملی مبارزه با استکبار» نامیده شده است.

### رخداد اول

اولین واقعه‌ی این روز تاریخی، تبعید حضرت امام(ره) به ترکیه است که در ۱۳ آبان ۱۳۴۳ ه.ش. رخ داد و در آن امام عظیم الشان راحل توسط ساواک بازداشت، از قم به تهران منتقل و همان روز توسط یک هواپیمای نظامی به ترکیه تبعید شدند. دلیل این اقدام رژیم شاه، به مبارزه‌های حضرت امام(ره) باز می‌گردد. امام(ره) پس از خرداد ۴۲، دامنه‌ی مبارزه‌ها را گسترده‌تر کرده و

به تصویب قانون «کاپیتولاسیون» اعتراض کردند. این اعتراض در ۴ آبان صورت گرفت. امام خمینی(ره) در مراسمی که به مناسبت ولادت حضرت زهرا(سلام‌الله) در منزلشان برگزار شد، مفسد این قانون استعماری را افشا کردند و رژیم شاهنشاهی از ترس این که اعتراض‌ها دامنه‌دار و گسترده شود، تصمیم گرفت تا ایشان را به ترکیه تبعید کند.

### رخداد دوم

واقعه‌ی دوم روی داده در این روز، شهادت دانش آموزان توسط رژیم شاهنشاهی می‌باشد. ۱۳ آبان ۱۳۵۷ تعدادی از دانش آموزان در ادامه‌ی تظاهرات برضد رژیم دست‌نشانده‌ی آمریکا، از سوی دولت به اصطلاح «آشتی ملی» شریف امامی به شهادت رسیدند. این حادثه، پس از ۱۷ شهریور، یکی از بزرگ‌ترین فجایع رژیم شاه بود. به صورتی که باعث سقوط کابینه‌ی ۷۰ روزه‌ی شریف امامی گردید. به همین مناسبت این روز، «روز دانش آموز» نیز نامیده شد.

### رخداد سوم

۱۳ آبان ۱۳۵۸ اتفاق سوم به وقوع پیوست و ساختمان سفارت آمریکا در تهران توسط جمعی از دانش‌جویان که بعدها به «پیروان خط امام(ره)» مشهور شدند، تصرف شد. تا قبل از این اقدام، سفارتخانه‌ی آمریکا چند نقش را برای مقابله با انقلاب اسلامی انجام می‌داد؛ که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- هدایت و حمایت شبکه‌های کودتا و براندازی انقلاب

در داخل کشور؛

۲- تأمین منابع مالی گروهک‌های ضدانقلاب در غرب و جنوب کشور؛

۳- ایجاد ناامنی و بی‌ثباتی در کشور از راه هدایت گروهک‌های ضدانقلاب (انفجار خطوط لوله نفت در جنوب، ایجاد ناامنی در شمال غرب)؛

۴- ایجاد ارتباط با جریان‌های سازش‌کار (نهضت آزادی و ملی‌گراها)؛

۵- تلاش برای ایجاد انحراف در انقلاب اسلامی توسط این جریان‌ها.

نقش آفرینی سفارت آمریکا و دیپلمات‌های آن در موضوع‌های یاد شده، هم در اسناد لانه‌ی جاسوسی به اثبات رسیده و هم در خاطره‌های برخی از مقام‌های آمریکایی به آن‌ها اشاره شده است؛ به عبارت دیگر سفارتخانه‌ی آمریکا مرکز هدایت اقدام‌ها برضد انقلاب اسلامی بود.

حضرت امام خمینی (ره) در ۱۶ آبان ۱۳۵۸ با تأیید اقدام استکبارستیزانه‌ی دانش‌جویان، از سفارت آمریکا به عنوان «لانه‌ی فساد» یاد کردند و برای اطمینان بخشی به ملت ایران در برابر آمریکا و جریان‌های مرعوب (نهضت آزادی و ملی‌گراها) فرمودند که آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند. بنابراین در هر ۳ رخداد، یک طرف قضیه مردم ایران و در طرف دیگر آمریکا، رژیم دست‌نشانده و ایادی شیطان بزرگ قرار داشتند. در مجموع، رخداد اول زمینه‌ساز انقلاب شد. رخداد دوم پیروزی انقلاب را تسریع کرد و رخداد سوم نیز زمینه‌ی تثبیت و استمرار انقلاب را فراهم کرد.

## ریشه‌های یک رخداد تاریخی

با توجه به ابعاد گسترده و تأثیرهای وسیع رخداد سوم (یعنی فتح لانه‌ی جاسوسی شیطان بزرگ) که حضرت امام(ره) از آن به عنوان «انقلاب دوم» تعبیر کردند، نگارنده لازم می‌داند به بررسی برخی نکات مهم در این رابطه بپردازد. مهم‌ترین مسأله، ریشه‌یابی اقدام انقلابی دانش‌جویان پیرو خط امام(ره) است که در این جا حداقل می‌توان به چهار عامل مهم اشاره داشت که عبارت‌اند از:

۱- اعلام آمریکا برای پذیرش شاه به بهانه‌ی معالجه‌ی وی که با واکنش و اعتراض امام(ره) در ۹ و ۱۲ آبان ۵۸ مواجه گردید. ایشان در ۱۲ آبان با پیامی خطاب به دانشگاهیان، دانش‌آموزان و طلاب علوم دینی اعلام داشتند که با قدرت تمام مبارزه‌ی خود را برضد آمریکا ادامه دهند.

۲- اقدام‌های دولت موقت بازرگان در سازش با آمریکا که حتی موجب اعتراض شدید امام(ره) در ۷ آبان ۱۳۵۸ گردید.

۳- ملاقات «بازرگان» (نخست وزیر موقت) و «ابراهیم یزدی» (وزیر خارجه‌ی وقت) با برژینسکی.

برژینسکی مشاور امنیت ملی کارتر، رییس جمهور آمریکا بود. در زمان وقوع انقلاب اسلامی، او برخلاف «سایروس ونس» (وزیر خارجه‌ی وقت آمریکا) خواستار سرکوب شدید نظامی مردم ایران و انقلابیون شد. برژینسکی به شدت از انجام کودتای نظامی برای پیش‌گیری از پیروزی انقلاب اسلامی حمایت می‌کرد. او طراح کودتای ۲۱ بهمن بود و در پناه دادن آمریکا به «محمدرضا پهلوی» هم نقش به‌سزایی داشت. ملاقات با برژینسکی در ۱۱ آبان ۱۳۵۸

در کشور الجزایر و با درخواست بازرگان صورت گرفت و یک ساعت و نیم به طول انجامید.

۴- اقدام‌های مداخله‌گرایانه‌ی آمریکا برضد انقلاب اسلامی که پیش‌تر به آن اشاره شد.

### دست‌آوردهای داخلی انقلاب دوم

تسخیر لانه‌ی جاسوسی دست‌آوردهای مهمی در داخل و خارج به همراه داشت که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. اولین دست‌آورد فتح لانه‌ی فساد شیطان بزرگ، منزوی شدن نهضت آزادی و ملی‌گراها و افشای وابستگی آن‌ها بود؛ به عبارتی دیگر می‌توان گفت افشای خط سازش و به حاشیه رفتن آنان یکی از دست‌آوردهای بزرگ این اقدام انقلابی محسوب می‌شود. دولت موقت در ۱۴ آبان ۱۳۵۸ استعفا داد و حضرت امام(ره) در ۱۵ آبان این استعفا را قبول کردند. پس از افشاگری‌های اولیه‌ی دانش‌جویان خط امام(ره) که برخی از اعضای دولت موقت را نیز در بر می‌گرفت، بازرگان در واکنشی انفعالی اعلام کرد: «اسم خودشان را می‌گذارند خط امام(ره)، خط شیطانند... این‌هایی که می‌گویند ما راه کج رفتیم و راه سازش رفتیم. این‌ها ضد انقلاب‌اند.»

### در این راستا توضیح دو نکته لازم به نظر

می‌رسد:

نکته‌ی اول؛ استعفای دولت موقت بود و نکته‌ی دوم؛ اقدام‌های این دولت در تضعیف نیروهای انقلابی است. در خصوص استعفای دولت موقت باید گفت که این استعفا در واقع یک ترفند سیاسی بود، زیرا آن‌ها پیش از آن نیز

چند بار استعفا داده بودند، ولی امام(ره) آن را نپذیرفتند؛ از این رو، به نظر می‌رسد دولت موقت با این فرض که این بار هم با استعفا مخالفت می‌شود، می‌خواستند موضوع استعفا را به عنوان اهرم فشار بر ضد نیروهای انقلابی و حضرت امام(ره) به کارگیرند تا با گذاشتن دو شرط به سر کار برگردند.

شرط اول آنان آزادی جاسوسان آمریکایی و شرط دوم، رهایی از دست نیروهای انقلابی بود. البته یک نکته‌ی قابل ذکر دیگر هم وجود دارد و آن این که بعضی از اعضای دولت موقت از افشای اسناد همکاری با آمریکا به شدت بیمناک بودند. این ترفند سیاسی با بصیرت بالا و هوشیاری امام(ره) خنثی شد. برای بحث ترفند سیاسی بودن استعفای دولت موقت، استناد وجود دارد؛ مرحوم «حاج سید احمد خمینی» نقل می‌کنند و می‌گویند: «من در نخست وزیری، در اتاق بازرگان و سحابی بودم که از قم با من تماس گرفتند و گفتند که امام(ره) استعفای دولت موقت را پذیرفته‌اند. من پس از بازگشت به اتاق به روی خودم نیاوردم. سحابی و بازرگان می‌گفتند، معلوم است که امام(ره) استعفای ما را قبول نمی‌کند، ولی ما باید برای پذیرش مجدد مسؤولیت شرط و شروط بگذاریم که یکی از آن‌ها آزادی آمریکایی‌هاست.»

اما در خصوص اقدام‌های دولت موقت هم ذکر توضیحاتی ضروری است. از آن جا که اعضای دولت موقت به لحاظ مبانی، دلبستگی به انقلاب و خط امام(ره) را نداشتند، در اقدام‌ها، انتصاب‌ها و مواضعشان، انقلابی عمل نمی‌کردند؛ به عنوان نمونه، در بینش دولت موقت مبارزه با آمریکا و نظام سرمایه‌داری لیبرال مفهومی نداشت.

دولت موقت مخالف مشارکت مردم در امور انقلاب و کشور، محاکمه‌ی وابستگان به رژیم گذشته، دادگاه‌های انقلاب و جهاد سازندگی بود. هم‌چنین اعضای این دولت مخالف برخورد با ضدانقلاب و عناصر تجزیه‌طلب بودند؛ بنابراین طبیعی بود که نیروهای انقلابی و معتقد به گفتمان انقلاب و امام(ره) در مقابل اقدام‌ها و مواضع دولت موقت معترض باشند. در هر صورت تسخیر لانه‌ی جاسوسی، جریان مرعوب، غیرانقلابی و سازش کار را به حاشیه برد. جریانی که به شدت با برپایی نظام دینی مخالفت می‌کرد و حتی پس از تصویب اصل ولایت فقیه در مجلس خبرگان قانون اساسی، خواستار انحلال مجلس خبرگان شد و در آن موقع آن افراد استعفا دادند که در آن شرایط حضرت امام(ره) آن را نپذیرفتند و در نهایت تسخیر لانه‌ی جاسوسی پس از ۲۶۸ روز به عمر دولت موقت خاتمه داد. این دست‌آورد، یعنی سقوط دولت موقت و خط سازش از این جهت اهمیت داشت که دولت آمریکا در صدد بود تا با ایجاد ائتلافی تحت لوای دولت موقت، از لیبرال‌های سیاسی (نهضت آزادی)، چهره‌های به اصطلاح دینی غیرانقلابی (مانند شریعتمداری و...)، سکولارها و ملی‌گراها (جبهه‌ی ملی و...) موجبات حذف تدریجی نیروهای معتقد به گفتمان انقلاب و امام(ره) را از صحنه‌ی سیاسی کشور فراهم کند و انقلاب را به انحراف بکشانند.

دومین دست‌آورد بزرگ ۱۳ آبان ۵۸ به عنوان انقلاب دوم، میدان‌دار شدن نیروهای انقلابی و پیرو خط امام(ره) و بازگشت مردم به صحنه بود. این ره‌آورد مهم از یک‌سو زمینه‌ساز تثبیت انقلاب در برابر اقدام‌های گروهک‌های ضدانقلاب، مقابله با کودتاها و مقابله با تجاوز بعثی صدام شد و از سوی دیگر موجب تقویت روحیه‌ی خودباوری



و «ما می‌توانیم» در عرصه‌های دیگر که امروز شاهد نتایج آن در حوزه‌های مختلف هستیم.

سومین دست‌آورد داخلی این رخداد بسیار مهم، پایان یافتن رابطه‌ی استعماری و سلطه‌جویانه‌ی آمریکا و ایران بود که با قطع رابطه‌ی سیاسی و تحریم اقتصادی رقم خورد. دست‌آورد چهارم ۱۳ آبان ۱۳۵۸، تولید قدرت ملی از راه ایجاد وحدت در نیروهای معتقد به انقلاب و ایجاد انسجام اجتماعی بود که به پشتوانه‌ای عظیم برای بقای انقلاب تبدیل شد. پنجمین ره‌آورد انقلاب دوم، افشای ماهیت واقعی گروه‌های مدعی مبارزه با امپریالیسم و مدافع خلق است. گروه‌هایی که تا پیش از این نیروهای انقلابی را به سازش‌کاری در مقابل آمریکا متهم می‌کردند، با این حرکت دانش‌جویان به یک‌باره در شرایط بن‌بست سیاسی قرار گرفتند و بدین ترتیب جامعه از ستیزه‌های فزاینده‌ی این گروهک‌های بی‌هویت‌رهایی پیدا کرد، ستیزه‌هایی که می‌توانست بی‌ثباتی و چالشی طولانی را در فضای داخلی برضد انقلاب به وجود آورد و بالاخره ششمین دست‌آورد داخلی اقدام دانش‌جویان انقلابی، توجه افکار عمومی و نیروهای انقلابی به خطر و تهدید اصلی برضد انقلاب، یعنی توطئه‌های آمریکا بود. این مهم تأثیرهای زیادی بر ساختار سیاسی و فرهنگی جامعه از خود برجای گذاشت؛ در این رابطه می‌توان به اوج‌گیری مبارزه با استکبار اشاره کرد.

### دست‌آوردهای خارجی

پیامدهای خارجی این رخداد نیز بسیار حایز اهمیت است که در این جا به برخی از آنها به اختصار اشاره

می‌شود. در حوزه‌ی خارجی افشای ماهیت شیطانی و مداخله جویانه‌ی آمریکا، اولین دست‌آورد بود. آمریکایی‌ها در پشت نقاب حقوق بشر (به ویژه در دوره‌ی کارتر) و آزادی، سعی داشتند چهره‌ای مقبول از خود به نمایش بگذارند و زرادخانه‌های قدرت نرم را توسعه دهند. با افشای اسناد مداخله‌ی آمریکا در ایران، ماهیت واقعی آنان برای افکار عمومی دنیا بیش از پیش نمایان شد. تحقیر آمریکا، شکسته شدن ابهت و هیمنه‌ی آن، دومین ره‌آورد اقدام شجاعانه‌ی دانش‌جویان و رهبری حضرت امام(ره) بود. در این رابطه به جاست به خاطره‌های «هامیلتون جردن»، رییس ستاد انتخاباتی کارتر در سال ۱۹۸۰م. توجه کنیم. وی در خاطره‌های خود می‌نویسد: «مردم آمریکایی که در مقابل سفارت ایران در آمریکا به شدت علیه ایران شعار می‌دادند، می‌گفتند ما نمی‌توانیم این تحقیر را تحمل کنیم.»

این دست‌آورد بزرگ موجب شکل‌گیری و پختگی بیداری اسلامی و ظهور بازیگران مستقلی شد که امروز در مناسبات بین‌الملل به خوبی شاهد آن هستیم. قرار گرفتن انقلاب اسلامی در کانون توجهات مسلمانان، مستضعفان و آزادگان جهان به عنوان الگو و نماد استقلال و پایداری و هم‌چنین شکل‌گیری انقلاب‌های اسلامی در خاورمیانه، ره‌آورد سوم رخداد یاد شده در حوزه‌ی خارجی است. تسخیر لانه‌ی جاسوسی آمریکا، ایران و انقلاب اسلامی را در کانون توجهات بین‌المللی قرار داد و جمهوری اسلامی ایران عملاً به مدت ۴۴۴ روز، رسانه‌های جهان را در اختیار خود گرفت. در حوزه‌ی دیپلماسی عمومی، قدرت نرم و جنگ روانی، این شرایط و وضعیت یعنی یک فرصت استثنایی یا به تعبیر دیگر، تبدیل کردن تهدید به فرصت، مدیریت بحران استراتژیک و خارج

ساختن انقلاب از انزوا، این‌ها دست‌آوردهای بسیار مهمی هستند که همگی به رهبری امام عظیم الشان راحل باز می‌گردد.

دست‌آورد چهارم تسخیر لانه‌ی جاسوسی آمریکا، خلع سلاح شوروی در مبارزه با امپریالیسم بود. این ابرقدرت تا پیش از این توانسته بود در برخی از نقاط جهان از این راه نفوذ، اعتبار و قدرت نرم برای خود در برابر غرب تولید کند که انقلاب دوم ستون‌های این قدرت پوشالی را فرو ریخت.

### قلب مواضع برخی انقلابیون

علی‌رغم همه‌ی این دست‌آوردها، در سال‌های پس از رحلت بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، شاهد موضعی از انقلابیون دهه‌ی ۶۰ و تجدیدنظرطلبان (اصلاح‌طلبان) دهه‌ی ۷۰ بودیم که از یک‌سو به شدت از اقدام خود اظهار ندامت و پشیمانی کردند و از سوی دیگر، دست‌آوردهای این رخداد بسیار مهم را تخطئه و اصل موضوع را تقبیح نمودند و در نهایت با روحیه و موضعی مرعوبانه و همراه با مبانی سکولار خواستار سازش نظام با استکبار شدند. تجدیدنظرطلبان مدعی اصلاحات، با این مواضع و مبانی به نوعی بر سرشاخه نشسته و بن آن را بریدند، یعنی از نظام و گفتمان انقلاب و امام(ره) جدا و به همین دلیل از سوی مردم طرد شدند. در ادامه‌ی این سقوط، تجدید نظرطلبان دهه‌ی ۷۰ به فتنه‌گران دهه‌ی ۸۰ تبدیل شدند و در این میان تلاش کردند در سال ۸۸، ۱۳ آبان یعنی «روز ملی مبارزه با استکبار» را به «روز همبستگی با آمریکای جنایت‌کار» بدل کنند.

فتنه‌گران در ۱۳ آبان سال ۸۸ تلاش بسیاری کردند

تا در مقابل امواج ضد استکباری مردم خودی نشان داده و هم‌چون روز قدس آن سال که به رژیم صهیونیستی خوش خدمتی کرده و شعار «نه غزه، نه لبنان» را سر داده بودند، در این روز هم به آمریکا خدمت کنند و برای رسانه‌های نظام سلطه، سوژه‌سازی کنند که با هوشیاری و بصیرت مردم انقلابی کشورمان راه به جایی نبردند و خود را رسواتر ساختند.

در سال‌های اخیر نیز زمزمه‌های برقراری رابطه با آمریکا از سوی برخی مسؤولین به بهانه‌های مختلف مطرح شد که مقام معظم رهبری درباره‌ی آن فرمودند: «اگر دستی دراز شده باشد که یک دستکش مخمل رویش باشد، اما زیرش یک دست چدنی باشد، این هیچ معنای خوبی ندارد.» که نشان‌دهنده‌ی تداوم دشمنی ملت ایران با آمریکا است. هم‌چنین معظم له در سفر اخیر خود به کرمانشاه درباره‌ی وضعیت آمریکا در جهان فرمودند: «امروز در میان ملت‌ها، هیچ دولتی در دنیا به قدر آمریکا منفور نیست. امروز آمریکا منفورترین دولت‌ها و رژیم‌ها در چشم ملت‌های منطقه است.»



## چرا تسخیر؟

در خصوص چرایی تصرف سفارت آمریکا، مقالات و یادداشت‌های متعدد و گوناگونی نگاشته شده و هر یک از زاویه‌ای خاص به برخی از علل آن پرداخته‌اند. از آنجایی که امام خمینی تسخیر سفارت آمریکا را انقلاب دوم نامیدند، این سؤال مطرح می‌شود که چرا امام تسخیر سفارت را تأیید نمودند؟ در این بخش به بررسی چرایی و ضرورت تسخیر سفارت آمریکا می‌پردازیم. بطور خلاصه، دلایل تسخیر سفارت آمریکا را به شرح ذیل می‌توان برشمرد:

اقدامات خصمانه و استعماری آمریکا پیش از انقلاب اسلامی و بی‌اعتمادی و حافظه‌ی تاریخی منفی ایرانیان نسبت به ایالات متحده‌ی آمریکا

اعطای پناهندگی سیاسی به شاه مخلوع از سوی دولت آمریکا

احتمال کودتای مجدد و اقدامات براندازانه‌ی آمریکا علیه انقلاب نوپای اسلامی

تبدیل سفارت‌خانه به مرکز جاسوسی و اقدامات سوء سفارت‌خانه در تحریک گروهک‌ها و ضدانقلاب

تشدید اقدامات خصمانه‌ی آمریکا علیه ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی تلاش سفارت‌خانه برای جذب دولتمردان دولت موقت و نفوذ در دستگاه‌های سیاسی در ادامه به مشروح هر یک از دلایل ذکر شده، می‌پردازیم:

### ۱. اقدامات خصمانه و استعماری آمریکا پیش از انقلاب اسلامی و بی‌اعتمادی و حافظه‌ی تاریخی منفی ایرانیان نسبت به ایالات متحده‌ی آمریکا

اجرای کردن طرح کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و براندازی حکومت مردمی دکتر مصدق، حمایت و تحکیم پایه‌های دیکتاتوری شاه، تصویب لایحه‌ی سؤال‌برانگیز انجمن‌های ایالتی و ولایتی در کابینه‌ی اسدالله علم به توصیه‌ی آمریکا و پس از سفر شاه به این کشور در فروردین ۴۱، تحمیل قانون استعماری کاپیتولاسیون و تحقیر ملت بزرگ ایران در مهر ۴۳، تبدیل ایران به کشوری سراسر وابسته به غرب که آمریکا آن را جزیره‌ی ثبات خود و ستون اصلی سیاست آمریکا در خلیج فارس تحت دکتربین «دوستونی» نیکسون می‌دانست، نمونه‌ای از اقدامات سلطه‌جویانه‌ی دولت آمریکا پیش از انقلاب اسلامی بوده است که به تقابل و رودرویی علنی مردم ایران با آمریکا انجامید.<sup>۱</sup>

لذا سیاست‌های استکباری آمریکا در ایران، با توجه به حمایت بی‌چون‌وچرای آمریکا از رژیم شاه در قیام مردمی علیه آن، سبب شد روزبه‌روز بر نفرت عمومی نسبت به

۱. برای مطالعه‌ی بیشتر ر.ک: آمریکا و براندازی جمهوری اسلامی ایران، کامران غضنفری و ایران و آمریکا (بررسی سیاست‌های آمریکا در ایران) حسن واعظی.

دولت این کشور افزوده شود. این تقابل و نفرت، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و به خاطر توطئه‌های پی‌درپی دولت‌های حاکم در آمریکا علیه نظام نوپای جمهوری اسلامی فزونی یافت. جمهوری اسلامی ایران به دلیل ماهیت، اهداف، سیاست‌ها و عملکردهای داخلی و خارجی، از همان ابتدای شکل‌گیری با مخالفت و ضدیت آمریکا روبه‌رو شد.

## ۲. اعطای پناهندگی سیاسی به شاه مخلوع از سوی دولت آمریکا

یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های مردم و جوانان انقلابی در تسخیر سفارت آمریکا در تهران، اقدام نسنجیده‌ی دولت آمریکا در اعطای پناهندگی به شاه علی‌رغم هشدارهای قبلی از سوی دولت ایران بود. در روز سه‌شنبه اول آبان ۱۳۵۸، انتشار خبر سفر شاه به آمریکا تحت پوشش معالجه در رسانه‌ها، خشم ملت انقلابی و ستم‌دیده‌ی ایران را بیش از گذشته برانگیخت و ملت ایران را در تصمیم بر مقابله و رویارویی هر چه تمام‌تر با آمریکا، مصمم‌تر و استوارتر ساخت. خوی استکباری و ستیزه‌جویی آمریکایی‌ها مانع از درک واقعیت‌های جامعه‌ی انقلابی ایران بود و دولتمردان این کشور با پذیرش ورود شاه به آمریکا، بار دیگر عمق کورذهنی و ناسنجیدگی سیاست‌های خصمانه‌ی خود نسبت به ملت ایران را به نمایش گذاشتند. اولین واکنش طبیعی نسبت به این اقدام، اعلان تنفر و انزجار توده‌های میلیونی مردم ایران از دولت آمریکا در راهپیمایی بهت‌انگیز ۴ آبان‌ماه ۱۳۵۸ رخ داد. در سایر کشورها نیز مسلمانانی از پاکستان، هند، عراق، سنگال، عربستان سعودی، چاد،



کویت، بحرین، مصر، لبنان، فلسطین و... در ایام حج در یک راهپیمایی عظیم و بی‌سابقه، انزجار خود را از این اقدام خصومت‌آمیز دولت آمریکا و نیز هم‌بستگی خود را با آرمان‌های بلند حضرت امام به ثبت رساندند.<sup>۱</sup> موج اعتراضات حتی نیویورک آمریکا را هم درنوردید و پلیس نسبت به معترضین در اطراف مجسمه‌ی آزادی به خشونت علیه آن‌ها دست زد.<sup>۲</sup>

صریح‌ترین واکنش رسمی در این روز از سوی آیت‌الله شهید بهشتی، دبیر وقت شورای انقلاب، ابراز شد که ضمن توهین‌آمیز خواندن این اقدام، به دولت آمریکا هشدار داد که ملت ایران در برابر این دولت جهان‌خوار سکوت نمی‌کند.<sup>۳</sup> در اعتراض به این اقدام تحقیرآمیز، مردم ایران بار دیگر، با فاصله‌ی کمتر از ده روز، در دوازدهم آبان‌ماه، در دومین تجمع خود، پس از اقامه‌ی نماز عید قربان، به راهپیمایی علیه ایالات متحده‌ی آمریکا پرداختند. مهم‌ترین خواسته‌های مردم در این دو راهپیمایی تاریخی، استرداد هر چه سریع‌تر شاه و سایر عمال وابسته‌ی وی از دولت آمریکا و عکس‌العمل قاطع و انقلابی دولت موقت در قبال این توهین آشکار به ملت بزرگ ایران و توطئه‌های داخلی بود.<sup>۴</sup>

### ۳. احتمال کودتای مجدد و اقدامات براندازانه‌ی آمریکا علیه انقلاب نوپای اسلامی

نقش مداخله‌جویانه‌ی آمریکا در براندازی دولت‌های مردمی در کشورهای مختلف، از جمله کودتای ۲۸ مرداد

۱. روزنامه‌ی جمهوری اسلامی، یکشنبه، ۶ آبان ۱۳۵۸، ش ۱۲۳، ص ۲.

۲. روزنامه‌ی جمهوری اسلامی، یکشنبه، ۶ آبان ۱۳۵۸، ش ۱۲۳، ص ۲.

۳. روزنامه‌ی جمهوری اسلامی، ۵ آبان ۱۳۵۸، ش ۱۲۲، ص ۱.

۴. روزنامه‌ی اطلاعات، ۵ آبان ۱۳۵۸، ش ۱۵۹۸۷، ص ۱۱.

در ایران، دیگر عامل زمینه‌ساز تسخیر سفارت این کشور در ایران بود. درست در آستانه‌ی پیروزی انقلاب اسلامی، معاون فرماندهی ناتو در اروپا (ژنرال هایزر)، با مأموریت ویژه‌ی کودتا از کاخ سفید، به منظور تمهید حمایت نظامیان از بختیار و سازمان‌دهی یک کودتای آمریکایی، به تهران اعزام شد. طراحی و برنامه‌ریزی چندین کودتا علیه نظام مردمی روی کارآمده و توطئه‌ی ترور حضرت امام و سایر رهبران انقلابی، در اولین ماه‌های پیروزی انقلاب اسلامی نشان از آن داشت که براندازی، استراتژی اصلی کاخ سفید در مقابله با نظام نوپای اسلامی است. اتفاقاً توطئه‌های بعدی، از جمله حمله‌ی نظامی آمریکا به طبرس در اردیبهشت ۱۳۵۹ و طرح‌ریزی کودتای نوژه در تیرماه ۱۳۵۹، درستی این نگرانی را تأیید می‌نمود. تحریک عراق به جنگ ایران و پشتیبانی همه‌جانبه از صدام علیه جمهوری اسلامی، سازمان‌دهی، هدایت و پشتیبانی نیروهای ضدانقلاب همچون گروهک‌های تجزیه‌طلب، فضاسازی سیاسی و تبلیغاتی علیه نظام جمهوری اسلامی و اقدام به محاصره‌ی اقتصادی و بلوکه کردن اموال ایران در کمتر از ده روز پس از تسخیر لانه‌ی جاسوسی، مؤید دیگری بر اوج خصومت و دشمنی آمریکا با ملت عزت‌مند ایران بود؛ امری که خصومت دیرین ملت ایران با خوی استکباری این دولت را روزبه‌روز انباشته‌تر می‌ساخت.

#### ۴. تبدیل سفارت‌خانه به مرکز جاسوسی و اقدامات سوء سفارت‌خانه در تحریک گروهک‌ها و ضدانقلاب

از سوی دیگر، تبدیل سفارت‌خانه به مرکز جاسوسی

و تمهید معارضین انقلاب اسلامی و گروهک‌های تجزیه‌طلب و ضدانقلاب، برای انقلابیونی که با نثار خون هزاران شهید، جمهوری اسلامی را به دست آورده بودند، سخت و سهمگین بود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و اخراج مستشاران نظامی و غیرنظامی آمریکا، که در واقع نقش آنتن‌های اطلاعاتی را برای سازمان سیا بازی می‌کردند، ایالات متحده فعالیت‌های جاسوسی‌اش را که از درون سفارت رهبری و هدایت می‌شدند، به شدت افزایش داد تا خلأ ناشی از خروج مستشاران را جبران کند. افسران سازمان سیا (CIA) با استفاده از شرایط نابسامان بعد از انقلاب و درهم‌ریختگی و نامشخص بودن حوزه‌ی مسئولیت‌ها، سعی کردند تا با نفوذ در مناطق کلیدی و حساس انقلاب اسلامی از تعمیق و گسترش هر چه بیشتر آن جلوگیری نمایند. سفارت آمریکا با ایجاد شبکه‌های جاسوسی و اطلاعاتی در پی آن بود تا با بحران آفرینی، تضعیف نیروهای اصیل انقلاب و جایگاه و شخصیت حضرت امام و همچنین ایجاد گسست و شکاف میان رهبری و نسل جوان، فعال‌ترین و انقلابی‌ترین نیروی اجتماع را از رهبری دور کند تا بتواند با تأثیر بر آن‌ها و نفوذ در ارتش، حرکت انقلابی مردم ایران را آسیب‌پذیر نماید. از سوی دیگر، آمریکا که تمام تلاش خود را در حمایت از رژیم شاه و جلوگیری از پیروزی انقلاب به کار بسته بود، با پیروزی انقلاب اسلامی، سفارت خود را به عنوان پایگاهی برای طراحی و اجرای توطئه علیه انقلاب تبدیل نمود تا بتواند آن بخش از اقداماتش را که می‌توانست در پوشش دیپلماتیک برای شکست یا به انحراف کشاندن نظام نو پای اسلامی انجام دهد، با مرکزیت سفارت به اجرا درآورد.

## ۵. تشدید اقدامات خصمانه‌ی آمریکا علیه ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی

اقدامات آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران فقط به اقدامات سفارت این کشور در تهران محدود نشد. در پی اعدام‌های انقلابی سران رژیم گذشته در روزهای اولیه‌ی پیروزی انقلاب، سنای آمریکا در ۲۷ اردیبهشت ۵۸ (۱۷ می ۱۹۷۹) قطعنامه‌ای را تصویب کرد که ایران را به خاطر اعدام‌های انقلابی با لحن شدیدی محکوم می‌کرد.<sup>۱</sup> بعد از تصویب قطعنامه‌ی ضدایرانی در سنای آمریکا، روابط دو کشور وارد مرحله‌ی تازه‌ای شد. با اینکه قطعنامه هیچ گونه ضمانت اجرایی نداشت، ولی ایران آن را نشانه‌ی موضع خصمانه‌ی ایالات متحده و کاری در جهت انزوای ایران دانست. گرچه پس از قطعنامه و ایجاد مسائل اختلاف‌برانگیز بین دو کشور، آمریکا در پی آن بود تا فرستاده‌ای ویژه را با هدف جذب ایران و جلوگیری از نفوذ شوروی در این کشور به سوی ایران بفرستد، ولی حضرت امام در واکنش به تصویب این قطعنامه، از پذیرش فرستاده‌ی مذکور خودداری کرد و علاوه بر آن، پذیرش والتر کاتلر در سمت سفیر که آماده می‌شد به ایران سفر کند، از سوی دولت رد گردید، هرچند که جمهوری اسلامی پیش از آن موافقت خود را با اعزام او به ایران به عنوان سفیر اعلام کرده بود. پس از این فعل و انفعالات، دولت آمریکا به بهانه‌ی حفظ امنیت منطقه و با این ادعا که احتمال داده می‌شود که یک نفت‌کش در خلیج فارس ربوده شود، ناوگان خود را در تنگه‌ی هرمز به حال آماده‌باش درآورد.<sup>۲</sup>

۱. دکتر بهرام نوازنی، الگوهای رفتاری ایالات متحده‌ی آمریکا در رویارویی با جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۷ تا ۱۳۸۰)، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص ۱۰۳.

۲. همان، ص ۱۰۶.

## ۶. تلاش سفارت‌خانه برای جذب دولتمردان دولت موقت و نفوذ در دستگاه‌های سیاسی

از جمله عوامل دیگری که در تحریک عاملین تسخیر سفارت‌خانه‌ی آمریکا مؤثر بود، تلاش سفارت آمریکا در جذب دولتمردان دولت موقت و سایر نخبگان سیاسی و دینی کشور بود. مسئولین سفارت آمریکا در پی آن بودند تا با برقراری ارتباط با مسئولین دولت موقت، راه رسیدن به اهدافشان را تسهیل کنند. به این موضوع در کتاب خاطرات کارتر اشاراتی شده است: «مهدی بازرگان... و اعضای کابینه‌اش، که بیشتر آن‌ها تحصیل‌کرده‌ی غرب بودند، با ما همکاری داشتند. آن‌ها از سفارت ما حفاظت می‌کردند و از ژنرال فیلیپ گاست... مراقبت به عمل می‌آوردند تا بدون خطر رفت‌وآمد کند و برای ما پیام‌های دوستانه می‌فرستادند. بازرگان به طور علنی اعلام کرد که مایل است با آمریکا روابط حسنه‌ای داشته باشد، اما افراطیون طرفدار آیت‌الله خمینی برای او به صورت مشکلی درآمده بودند.»<sup>۱</sup> اسناد لانه‌ی جاسوسی نیز نشان می‌دهد که ایالات متحده چگونه برای خارج کردن امام از صحنه‌ی سیاسی کشور در صدد جذب افراد مؤثر و مهم دولت موقت برآمده بود؛ به گونه‌ای که برخی از این افراد، از جمله بنی‌صدر (با اسم رمز اس. دی. لورا)، رحمت‌الله مقدم مراغه‌ای (با اسم رمز اس. دی پروب) / ۱ پ ۱، استاندار آذربایجان شرقی در دولت موقت و رئیس حزب منحله‌ی خلق مسلمان) و عباس امیر انتظام (سخن‌گوی دولت موقت)، حسن نزیه (با اسم رمز اس. دی. پوتی، مدیر عامل شرکت نفت در دولت موقت) با اسم رمز و به عنوان جاسوس رسمی به

۱. امیررضا ستوده و حمید کاویانی، بحران ۴۴۴ روزه‌ی تهران، ص ۲۰.

خدمت آمریکایی‌ها درآمده بودند.<sup>۱</sup>

علاوه بر نفوذ در عناصر دولت موقت، یافتن سرپل‌های اطلاعاتی درون روشن‌فکران مذهبی مخالف با خط امام و روحانیون سنتی رقیب امام اقدام دیگر آمریکایی‌ها برای مقابله با انقلاب تازه شکل‌گرفته‌ی اسلامی بود. اسناد مربوط به لانه‌ی جاسوسی، که پس از تسخیر سفارت‌خانه توسط دانشجویان انقلابی به چاپ رسیده، مؤید چنین اقداماتی بوده است و هیچ‌یک از طرفین به تکذیب ارتباط خود نپرداخته‌اند. نزدیکی سرویس جاسوسی سیا به مرجع تقلید صاحب رساله‌ای همچون آیت‌الله شریعتمداری در کنار عناصر سلطنت‌طلب، چریک‌های فدایی و سازمان مجاهدین چپ و جریان‌های پان‌ترکیستی و تجزیه‌طلبان قومی نشان می‌دهد که آمریکایی‌ها برای تزلزل انداختن در مسیر انقلاب اسلامی، از هر عنصری بهره می‌گرفته‌اند. در این میان، انتشار اخبار مربوط به مذاکرات پشت پرده‌ی بازرگان با برژینسکی (معاون امنیتی کارتر که از طرفداران جدی سرکوب و مداخله‌ی نظامی انقلاب و یکی از طراحان اصلی کودتای ۲۱ بهمن ۵۷ برای پیشگیری از انقلاب بود)، در دهم آبان‌ماه در حاشیه‌ی مراسم جشن استقلال الجزایر و بدون اطلاع قبلی امام، دامنه‌ی خشم ملت انقلابی از دولت موقت و دولت استعماری آمریکا را برافروخت.

این اقدام در شرایطی که امام خمینی شدیدترین حملات را علیه آمریکا داشت و روابط دو کشور به خاطر اقدام توهین‌آمیز آمریکا به شدت تیره و بحرانی شده

۱. به عنوان مثال، بنی‌صدر در ظاهر به عنوان مشاور اقتصادی یک شرکت آمریکایی، با حقوق ماهانه ۱۰۰۰ دلار، به همکاری دعوت می‌شد؛ اما در واقع رابط سازمان سیا تلاش می‌کرد تا وی را به استخدام این سازمان درآورد (دکتر بهرام نوازنی، الگوهای رفتاری ایالات متحده‌ی آمریکا در رویارویی با جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۷ تا ۱۳۸۰)، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص ۹۸).

بود، صورت پذیرفت. ضمن آنکه در برخی از مطبوعات عنوان شد که این ملاقات به درخواست مهندس بازرگان صورت گرفته بود. اقدام بازرگان یک موضع غیرانقلابی و سازشکارانه از سوی ملت ایران تلقی شد، به شدت احساسات ملی و انقلابی مردم ایران را ملتهب و مردم را بیش از گذشته نسبت به دولت بدبین و بی‌اعتماد کرد و جوانان انقلابی ایران را به واکنش بی‌سابقه‌ای واداشت. مهم‌ترین و اولین واکنش به این موضوع، تسخیر سفارت آمریکا بود؛ اقدامی که به نوعی عصیان و اعتراض بر مشی محافظه‌کارانه و سازشکارانه‌ی دولت موقت بود.

حمایت امام خمینی (ره) از تسخیر سفارت آمریکا توسط دانشجویان پیرو خط امام

بی‌شک نقش کلیدی و محوری حضرت امام (ره) در جریان تسخیر لانه‌ی جاسوسی آمریکا، اولین مسئله‌ای است که باید در جریان بررسی وضعیت و مواضع نیروهای موجود در جریان تسخیر، مورد بررسی قرار گیرد. حضرت امام (ره) از آغاز نهضت اسلامی و به طور علنی از سال ۱۳۴۱، با مخالفت با لایحه‌ی انجمن‌های ایالتی و ولایتی، همیشه شاه ملعون را به عنوان نوکر و دست‌نشانده‌ی آمریکا و عامل اجرای خواسته‌های آن‌ها در کشور، مورد حمله قرار می‌داد. امام بارها تأکید داشت که «آمریکا دشمن شماره‌ی اول بشر و ماست.» و «آمریکا از شوروی بدتر، شوروی از انگلیس بدتر، انگلیس از هر دو بدتر، همه از هم پلیدتر؛ لکن امروز سروکار ما با آمریکاست.» ایشان با راهبرد حمایت از مستضعفان و محرومان در عالم تصریح می‌کرد: «تا مبارزه در هر جای جهان علیه مستکبرین هست، ما هستیم.» اوج آمریکاستیزی امام پیش از انقلاب را در جریان تصویب قانون کاپیتولاسیون شاهد بودیم. امام خمینی در پی

تصویب لایحه‌ی استعماری کاپیتولاسیون، روز چهارم آبان ۱۳۴۳، که مصادف با میلاد حضرت فاطمه (علیها السلام) بود، این خیانت رژیم شاه را مورد حمله‌ی شدید قرار دادند و روز قبولی کاپیتولاسیون را روز عزای ملت نام‌گذاری کردند و دولت و مجلسیان را نوکران آمریکا نامیدند. روند مبارزه‌ی امام با رژیم شاهنشاهی در سال‌های بعد و تا پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ نیز مانند گذشته از این خط‌مشی پیروی می‌کرد؛ به گونه‌ای که ایشان در کنار مخالفت با شاه و سیاست‌های عقب‌افتاده‌ی وی، با دولت آمریکا، به عنوان بزرگ‌ترین عامل خارجی حمایت از شاه و محرک وی نیز به شدت مبارزه می‌کردند. امام به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی و در ماه‌های منتهی به تصرف سفارت، همچنان مواضع ضدآمریکایی خود را حفظ کرده بودند و به تشریح علل مخالفت خود با آمریکا می‌پرداختند. موضع‌گیری‌های امام در مقابل آمریکا، صریح و قاطع بود و در تقابل با دیدگاه‌های دولت موقت قرار می‌گرفت. مقامات دولت موقت طرفدار مذاکره و روابط دیپلماتیک حسنه با این کشور بودند. از سوی دیگر، دانشجویان پیرو خط امام، که از مماشات و عدم موضع‌گیری انقلابی دولت موقت نگران بودند، تلاش می‌کردند تا با پیروی از دیدگاه‌های حضرت امام (ره)، در تحولات جامعه‌ی آن روز ایران، نقش کلیدی و اساسی را ایفا کنند.

امام پس از تسخیر سفارت، آن را «انقلاب دوم» نامید. پس از تسخیر سفارت، مردم، شخصیت‌های سیاسی و نهادهای انقلابی منتظر شنیدن مواضع و دیدگاه‌های حضرت امام بودند تا اینکه امام خمینی ۲۴ ساعت پس از تسخیر سفارت آمریکا، سرانجام اولین موضع رسمی خود را در حمایت قاطع از اقدام دانشجویان اعلام کردند. ایشان



ضمن ستودن این حرکت، آن را انقلابی بزرگ‌تر از انقلاب اول نام نهادند: «آن مرکزی که جوانان ما رفتند گرفتند آن طور که اطلاع دادند. مرکز جاسوسی و مرکز توطئه بوده است. آمریکا توقع دارد که شاه را ببرد به آنجا، مشغول توطئه شود، پایگاهی هم اینجا برای توطئه درست کنند و جوان‌های ما بنشینند و تماشا کنند.»<sup>۱</sup> امام راحل (ره) به صراحت، سفارت آمریکا را مرکز توطئه و جاسوسی و عملکرد سفارت آمریکا در ایران را نمونه‌ی نقض قوانین بین‌المللی و تجاوز به حقوق ملت‌ها می‌دانستند و به همین علت، پشتیبانی ملت را از چنین حرکتی، کاملاً طبیعی اعلام کردند: «اگر این‌ها یک مسئله‌ی سفارتی بوده است، احتیاج به این کار نبود. اگر یک مسائلی بود که مربوط به توطئه‌هایی که بر ضد ماست نبود، این محتاج به این عمل نبود، حالا که این توطئه‌ها به ملت ما ثابت شده است و این عملی که این جوان‌های ما انجام داده‌اند، تمام ملت ما، الا بعضی منحرفین در اینجا و سایر ممالک دیگر، از آن پشتیبانی کردند و این خواست تمام ملت ما بوده است، نه یک خواست از روی هوای نفسانی. این حق از برای ملت ما هست، سفارت‌خانه‌ها حق قانونی ندارند که جاسوسی بکنند یا توطئه.»<sup>۲</sup>

۱. صحیفه‌ی نور، ج ۱۰، ص ۱۴۰ و ۱۴۱.

۲. همان.

## ❖ پس از تسخیر

---

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، سیاست و روابط خارجی ایران نسبت به ایالات متحدهی آمریکا، چرخش ۱۸۰ درجه‌ای را تجربه کرد. کشوری که تا قبل از سال ۱۳۵۷ روابط صمیمانه‌ای با بلوک غرب برقرار کرده بود و بزرگ‌ترین متحد و شاه‌کلید آمریکا در منطقه‌ی خاورمیانه به شمار می‌رفت، اینک سیاست دیگری در جهت استقلال خود در پیش گرفته بود. آمریکایی‌ها که مهره‌ی کلیدی خود، یعنی محمدرضاشاه را از دست داده بودند، به امید بازگرداندن ایران به دایره‌ی نفوذ خود، ابتدا گام‌هایی در جهت تحبيب دولت انقلابی و تازه‌تأسیس ایران برداشتند، اما چندی نگذشت که تغییر رویه دادند و شروع به سنگ‌اندازی در مسیر انقلاب اسلامی کردند. مسدود کردن اموال و دارایی‌های ایران و تحریم‌های متعدد یک‌جانبه و چندجانبه، نمونه‌هایی از این سنگ‌اندازی‌هاست که آمریکایی‌ها در طول سه دهه عمر انقلاب ایران، از آن فروگذار نکردند. این تغییر رویه معلول حوادث مهمی بود که ضمن آنکه کودک نوپای انقلاب را در معرض آزمون‌های دشواری قرار داد، نقطه‌ی عطفی را در تاریخ انقلاب اسلامی رقم زد.

نوشتار حاضر با تمرکز بر بحران<sup>۱</sup> ۴۴۴ روزهی گروگان‌گیری و دلایل بروز آن، به بررسی اقدامات متعدد آمریکا برای شکست ایران در جریان آن پرداخته است.

### تصرف سفارت آمریکا؛ آغازی بر پایان روابط

یکی از تحولات بسیار مهم انقلاب اسلامی ایران که از آن به عنوان انقلاب دوم یاد می‌شود، در روز ۱۳ آبان ۱۳۵۸ رقم خورد. در این روز، عده‌ای از دانشجویان دانشگاه‌های تهران، که از آن پس دانشجویان پیرو خط امام نامیده شدند، سفارت آمریکا در تهران را تصرف کردند. هرچند بنا به شواهد، هدف اولیه‌ی دانشجویان از این حرکت انقلابی بیشتر هشدار به آمریکا برای عدم مداخله در ایران بود و نه به گروگان گرفتن طولانی‌مدت دیپلمات‌های آمریکایی، اما حمایت قاطع امام خمینی و توده‌های مردم از این اقدام، آن را به بحرانی تمام‌عیار برای ایالات متحده آمریکا و در واقع نخستین مواجهه‌ی جدی میان انقلاب اسلامی و آمریکا تبدیل کرد. بحرانی ۴۴۴ روزه که بازتاب‌های آن همچنان سیاست خارجی جمهوری اسلامی را تحت شعاع خود قرار داده است.<sup>۲</sup>

در خصوص چرایی تصرف سفارت آمریکا توسط دانشجویان پیرو خط امام، علل مختلفی چون بی‌اعتمادی نیروهای مکتبی به سیاست نگاه به غرب دولت موقت، سیاست‌های مداخله‌جویانه‌ی آمریکا در ایران زمان شاه، تصمیم کارتر مبنی بر پذیرش شاه برای معالجه در آمریکا و ... در بخش قبل بیان شده

۱. لازم به ذکر است که کلمه «بحران» برگرفته از عنوان کتاب هامیلتون جردن (رئیس ستاد انتخاباتی کارتر) است که بخش‌هایی از آن به بحران پیش روی ایالت متحده آمریکا در دوران ۴۴۴ روزه گروگانگیری اختصاص دارد.

۲. سید جلال دهقانی فیروزآبادی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۹، ص ۳۱۴ تا ۳۱۶.

است که می‌توان ریشه‌ی همه‌ی آن‌ها را در یک علت اساسی دید: بی‌اعتمادی به آمریکا و دیدگاه ضدآمریکایی ایرانیان.

آمریکایی‌ها یک بار حاصل تلاش مردم ایران را در بیرون کردن شاه از کشور، بر باد داده بودند و با ترتیب دادن کودتایی ننگین، ۲۵ سال دیگر دیکتاتوری وی را بر مردم ایران تحمیل کرده بودند. به قول گری سیک، کارشناس آمریکایی امور ایران، سال ۱۳۳۲ سال بی‌آبرو شدن آمریکا در اذهان مردم ایران بود.<sup>۱</sup>

بدین ترتیب، در ذهن نیروهای انقلابی این امکان وجود داشت که دوباره آمریکایی‌ها دست به اقدام مشابهی برای سرنگونی انقلاب اسلامی و بازگرداندن شاه بزنند؛ به ویژه اینکه موافقت آمریکا با حضور شاه برای معالجه در آن کشور، در تاریخ ۲۸ مهر ۱۳۵۸ و ملاقات نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه‌ی دولت موقت با برژینسکی، مشاور امنیت ملی کارتر، درست پانزده روز بعد از اقامت شاه در آن کشور این سوءظن را تشدید کرده بود. بدین ترتیب، می‌توان گفت برای انقلابیون ایران، که شاه و آمریکا را دو روی یک سکه می‌دیدند، تسخیر سفارت آمریکا اقدامی پیشگیرانه در راستای تجربه‌ی کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بود.

## اقدامات آمریکا؛ از مسدود کردن دارایی‌ها تا

### راهبرد نظامی

دولتمردان آمریکا در خصوص برخورد با ایران و بحران پیش‌آمده دچار اختلاف نظر بودند؛ عده‌ای که ارزش زیادی برای حفظ جان گروگان‌ها قائل بودند، به

۱. ابراهیم علومی، بحران گروگان‌گیری و تحریم ایران، فصلنامه‌ی راهبرد، شماره‌ی ۴۷، تابستان ۱۳۸۷، ص ۱۰۲.

رهبری سایروس ونس (وزیر امور خارجه)، راه‌های دیپلماتیک و گفت‌وگو و نهایتاً تحریم‌های اقتصادی را پیشنهاد می‌کردند و گروه دیگر، طرح برژینسکی (مشاور امنیت ملی) مبتنی بر راه‌حل نظامی حتی به قیمت جان گروگان‌ها را برای حل مسئله‌ی گروگان‌گیری و اعتبار زیر سؤال رفته‌ی آمریکا ضروری می‌دانستند.<sup>۱</sup>

در نهایت، نظر گروه اول در دستور کار قرار گرفت و دولت کارتر ابتدا ضمن رد هر گونه اقدام نظامی برای آزادسازی گروگان‌ها، بر راه‌حل دیپلماتیک و سیاسی تأکید کرد و در چارچوب استراتژی دیپلماتیک خود، سیاست‌های تنبیهی و فشارهای اقتصادی زیادی بر جمهوری اسلامی وارد کرد.

## ۱. استراتژی اعمال فشار سیاسی و اقتصادی

### الف) اقدامات یک‌جانبه

ممانعت از ارسال محموله‌ای از قطعات یدکی نظامی به ارزش ۳۰۰ میلیون دلار که ایران قبلاً سفارش داده و بهای آن را پرداخته بود، اولین اقدام تنبیهی یک‌جانبه‌ی آمریکا علیه ایران در تاریخ ۱۷ آبان ۱۳۵۸ بود. اقدامات تنبیهی بعدی، برقراری محدودیت در واردات نفتی از ایران و به تعلیق درآوردن مجوزهای ورود دانشجویان ایرانی به آمریکا بود که در بیست‌ویکم و بیست‌ودوم آبان علیه ایران اعمال شد.<sup>۲</sup> روز بعد، آمریکا در اقدامی که بزرگ‌ترین مورد انسداد دارایی یک کشور خارجی در تاریخ تحریم‌های آمریکا محسوب می‌شد، ۱۲ میلیارد

۱. مرتضی شیرودی، تسخیر لانه‌ی جاسوسی آمریکا: علل، روند و پیامدها، فصلنامه‌ی پیام، شماره‌ی ۸۵، پاییز ۱۳۸۶، ص ۱۳۰.

2. Case Studies in Economic Sanctions and Terrorism, case 791-, Peterson Institute for international Economics, pp 12-, Accessed on: <http://www.piie.com/publications/papers/sanctions-iran-791-.pdf>

دلار دارایی‌های ایران را مسدود کرد. این توقیف دارایی‌ها، که بر اساس دستور اجرایی ۱۲۱۷۰ صورت گرفت، یکی از مهم‌ترین اقدام دولت آمریکا در جریان گروگان‌گیری بود.

برای پی بردن به اهمیت بیشتر رقم مسدودشده، یعنی ۱۲ میلیارد دلار، همین بس که کل دارایی‌هایی مسدودشده در سراسر جهان توسط آمریکا در جریان جنگ جهانی دوم، چیزی حدود ۸۰۰ میلیون دلار بود. مقایسه‌ی دو رقم مذکور، به خوبی نشان می‌دهد که این توقیف، ضمن آنکه یکی از مهم‌ترین اقدامات آمریکا در تاریخ تحریم‌ها به شمار می‌رفت، فشار زیادی به کودک نوپای انقلاب اسلامی وارد می‌کرد. البته لازم به توضیح است که توقیف دارایی‌های ایران اگرچه رقم کلانی را شامل می‌شد و عمق زیادی داشت، اما نسبت به اقدامات قبلی آمریکا در تحریم‌ها، حیطه‌ی محدودتری داشت. بدین معنا که این اقدام شامل دارایی‌های اتباع ایران نمی‌شد. قبلاً مشابه همین تحریم‌ها درباره‌ی کوبا، چین و ویتنام اعمال شده بود، اما شامل دارایی‌های اتباع این کشورها نیز می‌شد. این استثنا در مورد ایران تنها یک دلیل داشت و آن عدم تمایل آمریکا به مسدود کردن دارایی‌های شاه و خانواده‌اش بود.<sup>۱</sup>

البته نکته‌ای که نباید از آن غافل ماند این است که بحث مسدود کردن دارایی‌های ایران در آمریکا، ۹ ماه قبل از شروع بحران گروگان‌گیری در آمریکا مطرح شده بود؛ چرا که خروج ناگهانی این دارایی‌ها می‌توانست باعث بحران پولی و مالی در آمریکا شود. لذا بحران گروگان‌گیری تنها مکانیسمی بود که به دولت آمریکا

۱. حسین علیخانی، تحریم ایران: شکست یک سیاست، ترجمه‌ی محمد متقی‌نژاد، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی (وزارت امور خارجه)، ۱۳۸۶، ص ۸۲.

اجازه داد برای اجرای هدف از پیش تعیین شده‌اش، یعنی جلوگیری از خروج سرمایه‌ای کلان از آمریکا، در جهت منافع اشخاص و شرکت‌های آمریکایی اقدام نماید.<sup>۱</sup>

اقدامات یک‌جانبه‌ی آمریکا برای حل بحران گروگان‌گیری با صدور دستور اجرایی ۱۲۲۰۵، مورخ ۱۸ فروردین ۱۳۵۹، پیگیری شد و دامنه‌ی تحریم‌ها علیه ایران را از مسدود شدن دارایی‌ها، به تحریم اقتصادی کامل گسترش داد. دستور اجرایی مذکور، هر گونه صادرات به ایران به جز غذا و دارو و نیز معاملات مالی با ایران را تحریم کرد. اما با امتناع ایران از رها کردن گروگان‌ها، رئیس‌جمهور آمریکا باز هم دامنه‌ی تحریم‌ها را گسترش داد و درست ده روز بعد از برقراری ممنوعیت صادراتی، در ۲۸ فروردین ۱۳۵۹، دستور اجرایی ۱۲۲۱۱ را صادر و هر نوع واردات از ایران را ممنوع کرد.<sup>۲</sup> جدول ۱ این کاهش صادرات و واردات را به خوبی نشان می‌دهد.

جدول ۱: میزان صادرات و واردات ایران به آمریکا ۱۹۸۱ تا ۱۹۷۸ (میلیون دلار)<sup>۳</sup>

سال	صادرات	واردات
۱۹۷۸	۲/۸۸۰	۳/۶۸۴
۱۹۷۹	۲/۷۸۴	۱/۰۲۰
۱۹۸۰	۳۳۶	۲۴
۱۹۸۱	۶۳	۳۰۰

۱. SASAN FAYAZMANESH, The Politics of the U.S. Economic Sanctions against Iran, Department of Economics, California State University, June 28, 2002, p 213, accessed on

۲. علیخانی، همان، ص ۹۱.

۳. Case Studies in Economic Sanctions and Terrorism, Ibid, p9

## ب) اقدامات چندجانبه

اقدامات تنبیهی آمریکا در واکنش به بحران پیش آمده، محدود به اقدامات یک‌جانبه نبود، بلکه در سطح بین‌الملل نیز دنبال شد. دولت آمریکا در همان روز تسخیر سفارت (۱۳ آبان ۱۳۵۸)، با ارسال نامه‌ای به شورای امنیت سازمان ملل، خواستار تشکیل جلسه‌ی ویژه‌ی شورای امنیت برای بررسی موضوع گروگان‌گیری شد. شورای امنیت نیز در بیانیه‌ای که در ۶ آذر همین سال صادر کرد، از ایران خواست که بی‌درنگ دیپلمات‌های آمریکایی زندانی در تهران را آزاد کند. همچنین دولت کارتر از شورای امنیت درخواست کرد که بر اساس مفاد فصل هفتم منشور سازمان ملل، به اعمال تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران اقدام نماید.

شورا نیز در ۲۳ دی ۱۳۵۸، برای تصویب مجازات‌های اقتصادی علیه ایران، تشکیل جلسه داد، اما وتوی شوروی، توسل به تحریم علیه ایران بر اساس فصل هفتم منشور را عملاً بی‌نتیجه گذاشت. اقدام دیگر آمریکا در این زمینه، شکایت به دیوان بین‌المللی لاهه در مورد گروگان‌گیری بود. این دیوان نیز ضمن تأیید دادخواست آمریکا، مبنی بر نقض قوانین بین‌المللی توسط ایران، خواستار آزادی فوری گروگان‌ها شد.<sup>۱</sup>

بعد از تمامی این اقدامات یک‌جانبه و چندجانبه علیه ایران، کارتر رئیس‌جمهور آمریکا، طی فرمانی در تاریخ ۱۹ فروردین ۵۹، روابط دیپلماتیک ایالات متحده با ایران را به طور کامل قطع کرد. شورای انقلاب نیز در پاسخ، روابط دیپلماتیک جمهوری اسلامی با آمریکا را مقطوع اعلام کرد. بدین ترتیب، بحران گروگان‌گیری مُهر پایانی بر روابط ایران و آمریکا زد.

۱. دهقانی فیروزآبادی، همان، ص ۳۱۹ و ۳۲۰.



۲- راهبرد نظامی؛ از شکست پنجه ی عقاب در کویر تا کودتای نوژه

با ناکامی در اعمال فشار سیاسی و اقتصادی علیه ایران، آمریکا که اعتبار خود به عنوان یک ابرقدرت را در معرض خطر می دید به راهبرد نظامی روی آورد. بدین ترتیب براساس دکترین حمله ی نظامی برژینسکی به ایران، دولت آمریکا خود را آماده ی حمله ی نظامی وسیعی به ایران نمود. اما وقوع حادثه‌ای پیش بینی نشده یعنی اشغال نظامی افغانستان توسط شوروی، تمام محاسبات آمریکا را به هم ریخت. این اقدام شوروی، آمریکا را وادار ساخت که در خصوص اقدامات بعدی خود در خصوص ایران، هدف کلی مهار شوروی را در نظر بگیرد. بنابراین وضعیت پیش آمده، طرح حمله ی نظامی وسیع به ایران را از دستور کار برژینسکی و دولتمردان آمریکا خارج کرد و آن‌ها را به فکر طرح مأموریت نجات گروگان‌ها به وسیله ی نیروهای نظامی انداخت. لذا بر اساس نظر برژینسکی، کارتر در تاریخ ۴ اردیبهشت ۱۳۵۹ دستور عملیات نجات گروگان‌ها موسوم به عملیات پنجه ی عقاب (Operation Eagle Claw) در خاک ایران را صادر نمود.<sup>۱</sup>

### الف) شکست پنجه ی عقاب در طبس

در پنجم اردیبهشت ۱۳۵۹ نود نفر آمریکایی به وسیله ی هشت فروند هلی کوپتر و شش فروند هواپیمای ترابری به سوی فرودگاهی نظامی، طبیعی و دورافتاده در نزدیکی شهر طبس حدود ۲۰۰ مایلی جنوب شرقی تهران حرکت کردند. نقشه آن بود که بعد از فرود در محل تعیین

۱. مسلم تهوری، پنجه های شکسته ی عقاب در کویر (بررسی شکست نظامی آمریکا در صحرای طبس)، فصلنامه مطالعات تاریخی، شماره ۳۲، بهار ۱۳۹۰، ص ۱۵۶

شده و سوخت گیری هلی کوپترها، کماندوهای آمریکایی توسط آن‌ها به مخفی گاهی کوهستانی در اطراف تهران منتقل شوند و از آنجا توسط کامیون‌های عمال ایرانی به شهر رفته و گروگان‌ها را آزاد کنند. اما در همان گام نخست عملیات، طوفان شن و نقص مکانیکی، سه فروند از هلی کوپترها را از کار انداخت و کارتر مجبور شد دستور لغو عملیات را صادر کند. به هنگام عقب نشینی نیز، یکی از هلی کوپترها با یک فروند هواپیمای حامل سوخت برخورد کرد تا با کشته و زخمی شدن ۱۳ آمریکایی عملیات پنجه‌ی عقاب، شکستی مفتضحانه را در کارنامه‌ی دولت کارتر ثبت نماید.

اینجاست که این آیه‌ی شریفه به یاد می‌آید:

«وَمَكْرُواْ وَمَكَرَ اللهُ وَاللّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِيْنَ»<sup>۱</sup> [دشمنان] مکر ورزیدند و خدا [در پاسخشان] مکر در میان آورد و خداوند بهترین مکرانگیزان است.

بدین ترتیب عملیات نجاتی که با نهایت دقت طی چند ماه برنامه ریزی و تمرین شده بود؛ در ساعات اولیه با شکست مواجه شد. ونس استعفا داد و محبوبیت کارتر در جامعه آمریکا بیش از پیش کاسته شد. نیروهای انقلابی ایران نیز در واکنش به این عملیات، گروگان‌ها را به جای نامعلومی منتقل کردند.<sup>۲</sup>

### ب) کودتای نافرجام شبکه‌ی نقاب (نوژه)

پس از شکست عملیات صحرا در طبس، تمام توجه آمریکایی‌ها متوجه گزینه‌هایی چون کودتا یا تجاوز نظامی یک کشور همسایه جلب شد؛ در این زمان

۱. قرآن کریم، سوره آل عمران، آیه ۵۴

۲. وسلی ام باگ بای، روابط بین المللی آمریکا پس از جنگ جهانی اول (۱۹۱۹-۱۹۹۹)، ترجمه اسماعیل شفیعی و دیگران، اصفهان، اندیشه نیکان، ۱۳۸۴، ص ۴۶۹

ایده‌ی شاپور بختیار، آخرین نخست وزیر رژیم پهلوی که در پاریس اقامت داشت، مبنی بر تدارک کودتا علیه انقلاب اسلامی مورد توجه آمریکا قرار گرفت. بختیار در دیدارش با سفرای انگلیس و آمریکا، آن‌ها را متقاعد کرد که برنامه حمله عراق به ایران را به تعویق بیندازند تا ابتدا طرح کودتا به امتحان گذاشته شود. بدین ترتیب طرح کودتای نوژه در دستور کار سازمان سیا قرار گرفت و سازمان نقاب (نقاب متشکل از حروف اول نجات قیام انقلاب بزرگ بود) برای بررسی راه‌های موفقیت کودتا در ستاد بختیار تشکیل شد. این سازمان از سه شاخه‌ی نظامی، سیاسی و تدارکات تشکیل می‌شد که ریاست هر یک از شاخه‌ها به ترتیب بر عهده‌ی بنی عامری، قادسی و منوچهر قربانی فر بود.<sup>۱</sup>

بنابراین گردانندگان اصلی کودتا، ستاد بختیار و تعدادی از افسران ارتش رژیم شاهنشاهی ایران به ویژه افسران نیروی هوایی بودند که با حمایت سازمان سیا، رژیم بعث عراق و کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس با هدف حذف امام خمینی، نابودی نظام نوپای جمهوری اسلامی و بازگرداندن شاپور بختیار کودتا را تدارک دیده بودند. تمام هماهنگی‌های لازم بین ستاد بختیار و کشورهای عضو بازار مشترک اروپا، اسرائیل، کشورهای منطقه نظیر عربستان، مصر و عراق نیز از طریق سیا انجام می‌گرفت. علاوه بر این هزینه‌های مادی کودتا چه به صورت مستقیم و غیر مستقیم نظیر چک دومیلیون دلار عربستان توسط آمریکا تأمین می‌شد.<sup>۲</sup> گفتنی است که ابتدا پایگاه هوایی مهرآباد به عنوان مرکز ثقل کودتا در نظر گرفته شد اما ترس از واکنش

۱. رضا بسطامی و راحله مظاهری جوهری، نافرجامی نوژه، ماهنامه زمانه، سال چهارم، شماره ۳۴، تیر ۱۳۸۴، ص ۳۵

۲. محمدحسن صنعتی، شاپوربختیار، فصلنامه مطالعات تاریخی، شماره ۶، بهار ۱۳۸۴، ص ۲۲۰

و حضور مردم باعث شد کودتاچیان به دنبال گزینه‌ی مناسب دیگری باشند. آن‌ها پس از بررسی جوانب مختلف، پایگاه هوایی شهید نوژه همدان به دلایلی نظیر نزدیکی به تهران، وجود عناصر مستعد و قابل جذب، قرار داشتن در خارج از شهر و ... برای آغاز عملیات انتخاب کردند.

با شروع عملیات قرار بود در تاریخ ۱۸ تیر ۱۳۵۹ ابتدا منطقه مسکونی جماران که منزل امام خمینی نیز در آن منطقه بود، بصورت وسیع بمباران شود. بمباران منزل امام مهم‌ترین هدف کودتاچیان بود. آن‌ها که به دنبال وارد کردن ضربه‌ای اساسی به جمهوری اسلامی بودند، به خوبی می‌دانستند که تا زمانی که امام خمینی (ره) زنده است، مردم با یک اشاره‌ی ایشان به خیابان‌ها ریخته و کودتا را ناکام می‌کنند. انهدام دفتر نخست‌وزیری، مجلس شورای اسلامی، ستاد مرکزی کمیته‌های انقلاب، ستاد مرکزی سپاه پاسداران، انبار مهمات پادگان لویزان و مدرسه‌ی فیضیه‌ی قم اهداف بعدی بمباران هوایی کودتاچیان را تشکیل می‌داد. در ادامه، عملیات نیروی زمینی آغاز شده و پس از تسخیر صدا و سیما، ستاد نیروی زمینی ارتش، ستاد کل ارتش، پادگان حر، پادگان قیصر، پادگان جمشیدیه و زندان اوین، به مدت سه روز حکومت نظامی اعلام می‌شد. طی این سه روز نیز با ارباب و فریب مردم از طریق شگردهایی چون اعدام‌های دسته‌جمعی خیابانی، تایید کودتا به وسیله روحانیون همراه با کودتا و باج‌دهی به مدافعین انقلاب، کودتا به سرانجام رسیده و کودتاچیان ضمن برچیدن نظام جمهوری اسلامی قدرت را قبضه می‌کردند.<sup>۱</sup>

بدین ترتیب همه چیز برای انجام کودتا مهیا شده

۱. بسطامی و راحله مظاهری جوهری، نافرجامی نوژه، صص ۳۷-۳۸

بود. اما درست در شب کودتا یکی از خلبانانی که مأمور بمباران خانه ی امام شده بود دچار عذاب وجدان شده و پس از مشورت با مادرش، نیمه شب به منزل آیت الله خامنه ای (رهبر معظم انقلاب) رفته و ایشان را از جریان کودتا مطلع می نماید. بلافاصله ستاد خنثی سازی کودتا تشکیل شده و کودتا خنثی می شود. این گونه بود که انقلاب نوپای ایران طوفان دیگری را با موفقیت پشت سر گذاشت و آمریکا که ۹ ماه نقشه هایش برای آزادی گروگان ها بر آب شده و اعتبارش بیش از پیش زیر سوال رفته بود چاره ای نداشت که دوباره به راه حل دیپلماتیک و مسالمت آمیز برای آزادی گروگان ها باز گردد. ناگفته نماند که آمریکایی ها برای آنکه ایران را برای مذاکره تحت فشار قرار دهند برنامه ی حمله ی عراق به ایران را در دستور کار خود قرار داده بودند.

در این زمان مجلس شورای اسلامی با صدور قطعنامه ای شرایط چهارگانه ای را برای حل و فصل بحران گروگان ها تصویب کرد و دولت را مأمور ابلاغ و اجرای این شرایط نمود و تاکید کرد در صورتی که آمریکا این شرایط را نپذیرد، گروگان ها محاکمه خواهند شد. دولت آمریکا که طی یک سال گذشته هر اقدامی انجام داده بود با شکست مواجه شده بود، شروط مطروحه دولت ایران را پذیرفت. بدین ترتیب نمایندگان ایران و آمریکا با موافقت امام خمینی از طریق میانجی های الجزایری وارد مذاکره شدند و نهایتاً پس از چند ماه مذاکره در ۲۹ دی ۱۳۵۹ بیانیه الجزایر به امضای طرفین رسید و بحران گروگانگیری پایان یافت.<sup>۱</sup>

گفتنی است که آمریکایی ها حتی بعد از اتمام این جریان هم به طرق مختلف در مسیر انقلاب کارشکنی

۱. دهقانی فیروزآبادی، همان، صص ۲۲۱-۲۲

کردند. آن‌ها همچنان به سنگ اندازی های خود در مسیر انقلاب ادامه دادند چرا که ایران انقلابی مسیر خود را قاطعانه از بلوک غرب و شرق جدا کرد و دولت آمریکا نتوانست آن را به دایره ی نفوذ خود بازگرداند؛ کمک های متعدد مالی و نظامی به دولت بعث عراق در جریان جنگ تحمیلی، تحریم های متعدد و کارشکنی در پرونده ی هسته ای ایران نمونه های بارز این سنگ اندازی هاست که در طول سه دهه، انقلاب اسلامی با آن‌ها مقابله کرده و همچنان استوار به راه خود ادامه می دهد.

### استمرار دشمنی

نوشتار حاضر با تمرکز بر بحران ۴۴۴ روزه گروگانگیری، دلیل اصلی بروز این بحران را بی آبرویی آمریکا در ذهن مردم ایران پس از جریان کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ می داند که با توجه به روابط پیرو - حامی که در دوران حکومت پهلوی بین ایران و آمریکا وجود داشت، برای انقلابیون ایران بعید نبود که مداخلات روبه گسترش سفارت آمریکا در ایران بعد از انقلاب در راستای برگرداندن دوباره پهلوی دوم باشد. اقدامات دولت موقت و اقامت شاه در آمریکا موجبات تقویت این گمان شد و در نتیجه شرایط تسخیر سفارت آمریکا توسط دانشجویان خط امام را فراهم کرد. آمریکا اقدامات سیاسی، اقتصادی و حتی نظامی متعددی برای آزادی گروگان ها انجام داد اما پس از ناکامی در این اقدامات شروط ایران برای آزادی گروگان ها را پذیرفت و مذاکرات دو کشور در بیانیه ی الجزایر به نتیجه رسید. اما آمریکایی ها حتی بعد از اتمام این جریان هم به طرق مختلف در مسیر انقلاب

کارشکنی کردند؛ کمک های متعدد مالی و نظامی به دولت بعث عراق در جریان جنگ تحمیلی، تحریم های متعدد و کارشکنی در پرونده ی هسته ای ایران نمونه های بارز این کارشکنی هاست که در طول سه دهه، انقلاب اسلامی با آن ها مقابله کرده و همچنان استوار به راه خود ادامه می دهد.

## قطع رابطه

هر چند ریشه‌های تیرگی روابط ملت ایران با دولت آمریکا به حوادثی نظیر کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، واقعه‌ی ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، تصویب لایحه‌ی کاپیتولاسیون و ... باز می‌گردد، اما تسخیر سفارت آمریکا در ایران در ۱۳ آبان ۱۳۵۸، توسط دانشجویان، فصل نوینی در روابط ایران و آمریکا گشود. در این میان فروردین ماه سال ۱۳۵۹ از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این برهه، اتفاق‌هایی به وقوع پیوست که در نهایت منجر به اعلام قطع روابط دیپلماتیک آمریکا با ایران شد. در ادامه به اختصار وقایع منجر به این واقعه، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

در آستانه‌ی سال ۱۳۵۹، برخی دولت‌مردان آمریکایی، برای حل مسأله‌ی گروگان‌های آمریکایی که در جریان تسخیر لانه‌ی جاسوسی به دست دانشجویان افتاده بودند، خواستار فشارهای بیش‌تر و شدیدتر برضد ایران شدند. در این راستا، «جرج بوش»، نامزد ریاست جمهوری آمریکا، عضو حزب جمهوری‌خواه، از «کارتر»، رییس جمهور این کشور خواست مناسبات دیپلماتیک با ایران را قطع نماید.<sup>۱</sup> هم‌چنین «ریچارد لوگار» سناتور جمهوری‌خواه ایالت

۱. خبرگزاری پارس، نشریه‌ی «گزارش‌های ویژه»، شماره‌ی ۱، ۱۳۵۹/۱/۲، ص ۳.



«ابندیانا» نیز از رییس جمهور ایالات متحده درخواست کرد ایران را در محاصره‌ی دریایی قرار دهد.<sup>۱</sup>

در چنین فضایی و در حالی که کارتر، اقدام نظامی برضد ایران را به طور سزّی و کاملاً جدی پیگیری می‌کرد و نیز در پی ایجاد و افزایش فشارهای اقتصادی برضد ایران بود، نیم نگاهی به تحولات داخلی ایران داشت. کارتر درصدد بود با ترفندهای سیاسی ایران را وادار به تسلیم گروگان‌ها نماید. موفقیت چنین رویه‌ای می‌توانست موجب توفیق سیاسی بزرگی برای کارتر که در آینده‌ای نزدیک انتخابات ریاست جمهوری را پیش رو داشت، شود. به هر حال رییس جمهور آمریکا در روز اول فروردین ماه ۱۳۵۹ اظهار امیدواری کرد که «بعد از انتخابات پارلمانی ایران، دولتی که بتواند از عهده‌ی افراطیون اشغال‌گر سفارت آمریکا در تهران برآید، تشکیل بشود.»<sup>۲</sup> سخنگوی وزارت امور خارجه‌ی ایالات متحده نیز گفت: «کابینه‌ی کارتر امیدوار است زمانی که ایران ۵۰ گروگان آمریکایی را آزاد کند، روابط آمریکا با تهران به حالت عادی بازگردد.»<sup>۳</sup>

همزمان با این اظهارنظرها، مقام‌های کاخ سفید طرح‌های مختلف سیاسی، نظامی و اقتصادی برضد ایران را مورد بررسی قرار می‌دادند. در همین رابطه در جلسه‌ای که با حضور تعدادی از مقام‌های بلند پایه‌ی سیاسی - نظامی و تصمیم‌گیران مسایل خارجی آمریکا به همراه رییس جمهور این کشور در «کمپ دیوید» برگزار شد، ضمن این که راه‌های فشارهای سیاسی و اقتصادی مجدد مورد بررسی قرار گرفت و موضوعاتی نظیر قطع رابطه با ایران طرح گردید، راهکار نظامی نیز با جدّیت از سوی اکثریت شرکت کنندگان در جلسه طرح، بررسی و انجام

۱. همان، صص ۵ و ۶.

۲. همان، شماره ۳، ۱۳۵۹/۱/۴، ص ۱۲.

۳. همان

مقدمات آن مورد تأیید قرار گرفت.<sup>۱</sup>

با این حال در ۲۷ مارس ۱۹۸۰م. (۱۳۵۹/۱/۷)، رهبران سنای آمریکا پیشنهاد کردند که گزارشی درباره‌ی روابط ایران و آمریکا در زمان سلطنت شاه مخلوع منتشر شود. بر اساس پیشنهاد یاد شده، این گزارش می‌بایست یک سند تاریخی از روابط بین دو کشور بوده و شرحی باشد از نقش آمریکا در ایران از تمام دیدگاه‌ها؛ از کمک‌های قابل ملاحظه‌ی این کشور به ملت ایران تا شرکت در کودتای نظامی سال ۱۹۵۳م. (کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲)<sup>۲</sup> وزارت امور خارجه‌ی آمریکا نیز با این پیشنهاد سنا موافقت کرد.<sup>۳</sup> این در حالی بود که دولت کارتر در گذشته با هرگونه اقدام کنگره درباره‌ی ادعای ایران مبنی بر دخالت آمریکا در امور ایران در زمان شاه مخلوع مخالفت کرده بود. اما طرح چنین پیشنهادهایی بیش از آن که ناظر بر ارایه‌ی راه‌حلی منصفانه باشد، اقدامی نمایشی و سیاستی فریب‌کارانه بود چرا که یک روز بعد از انتشار خبر یاد شده، رادیو آمریکا خبر داد که «ونس» گفته است: «دولت آمریکا به پیشنهاد سناتور فرانک چرچ، رییس کمیته‌ی روابط خارجی سنا مبنی بر رسیدگی به روابط ایران و آمریکا در دوران شاه سابق ایرادی ندارد؛ ولی با انتشار بیانیه‌ی رسمی درباره‌ی اعتراف به خلاف‌کاری در دوران حکومت شاه، مخالف است.»<sup>۴</sup>

در چنین فضایی که آمریکا به نوعی به یکه تازی سیاسی و رسانه‌ای در خصوص مسأله‌ی گروگان‌ها و روابط با ایران می‌پرداخت، شب نهم فروردین ماه ۱۳۵۹ خبری از صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش شد که

۱. در این باره نگاه کنید به: زیگنیو برژینسکی، اسرار سقوط شاه و گروگان‌گیری، ترجمه‌ی حمید احمدی، بی‌جا، ۱۳۶۲، صص ۱۷۱ - ۱۶۶ و سایروس ونس و زیگنیو برژینسکی، توطئه در ایران، ترجمه‌ی محمود مشرفی، انتشارات هفته، ۱۳۶۲، صص ۹۰ - ۸۹.

۲. روزنامه‌ی جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۱/۹، ص ۱۲.

۳. اداره کل مطبوعات خارجی وزارت ارشاد ملی، نشریه‌ی «بررسی روزانه‌ی مطبوعات جهان» ۱۳۵۹/۱/۱۹، ص ۳.

۴. خبرگزاری پارس، نشریه‌ی «گزارش‌های ویژه»، شماره‌ی ۸، ۱۳۵۹/۱/۹، ص ۱۳.

بلافاصله خبرگزاری‌های جهان با قید «فوری فوری» آن را به سراسر دنیا مخابره کردند.<sup>۱</sup> این خبر که اوضاع روابط ایران و آمریکا را به کلی تحت تأثیر قرار داد در واقع یک نوع افشاگری بود که با ابتکار امام خمینی (ره) انجام شده بود. ماجرا از این قرار بود که جیمی کارتر، رئیس جمهور ایالات متحده‌ی آمریکا، پیامی را از راه سفارت سوئیس در تهران برای امام ارسال کرده بود. کارتر، در بخشی از این پیام به نسبت مفصل و با این عبارت که «مزیت بزرگ دموکراسی آمریکایی این است که همیشه توانسته است اشتباهات خود را شناسایی نموده و یا آن را محکوم کند!» موافقت خود را برای تشکیل یک کمیسیون تحقیق جهت حل بحران موجود بین طرفین اعلام کرده بود.

رئیس جمهور آمریکا در نامه‌ی یاد شده تصریح نموده بود که تمام تلاش خود را برای حل بحران موجود به کار خواهد گرفت. در این نامه هم‌چنین به مسأله‌ی شاه مخلوع ایران به عنوان یکی از مسایل مطرح در روابط ایران و آمریکا اشاره شده بود؛ کارتر در این رابطه با آرایه‌ی توضیحاتی در خصوص بیماری شاه سابق ایران، سفر وی به پاناما و مصر را امری شخصی قلمداد کرده و دخالت آمریکا در آن را منکر شده و اعلام کرده بود به عنوان رئیس جمهور آمریکا با ورود شاه به آمریکا برای معالجه توسط پزشکان آمریکایی مخالفت کرده است.<sup>۲</sup>

انتشار این پیام که به مثابه یک بمب خبری در فضای رسانه‌ای جهان انفجاری مهیب ایجاد کرد، ضمن این که ابتکار عمل مسأله‌ی روابط دو کشور ایران و آمریکا را از دست سیاستمداران آمریکایی خارج کرد، مقام‌های آمریکایی را وادار به تناقض گویی نمود. در این رابطه، «جوادی پاول»

۱. روزنامه‌ی کیهان، ۱۳۵۹/۱/۱۰، ص ۴.

۲. روزنامه‌ی انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹/۱/۱۰، ص ۴.

سخنگوی کاخ سفید اساساً ارسال پیام برای هر مقام ایرانی را منکر شد،<sup>۱</sup> اما مقام‌های دیگر این کشور از جمله وزیر خارجه‌ی ایالات متحده به ارسال پیام برای رییس جمهور ایران اعتراف کردند ولی ارسال نامه به امام را انکار نمودند. اما در ایران، علاوه بر دفتر امام به عنوان منتشر کننده‌ی خبر، تمامی مقام‌ها و مطلعین از جمله رییس جمهور، وزیر امور خارجه و سید احمد خمینی، صحت ارسال پیام را تأیید کردند. «سید احمد خمینی» در خصوص چرایی و چگونگی ارسال و انتشار پیام گفت: «از بابی که امام فرمودند هیچ چیز نباید از ملت دور باشد، ما این پیام را برای انتشار در اختیار رسانه‌ها قرار دادیم.»<sup>۲</sup>

پس از فرو نشستن گرد و غبار خبری حاصل از انتشار پیام کارتر به امام و نیز تکذیب‌های مکرر مقام‌های آمریکایی، ناظران سیاسی، منتظر روز ۱۲ فروردین ۱۳۵۹، روز رسمیت حقوقی جمهوری اسلامی بودند و اطمینان داشتند مواضع ایران راجع به گروگان‌ها، در مراسمی که در این روز به مناسبت سالگرد فرماندوم جمهوری اسلامی، در میدان آزادی برگزار خواهد شد، بیان می‌گردد. به هر حال مراسم در روز مقرر برگزار شد و همان گونه که انتظار می‌رفت هم در پیام امام و هم در سخنان رییس جمهور، مواضع ایران در قبال مسأله‌ی گروگان‌ها بیان شد.

در پیام امام، سیاست‌های ضد ایرانی آمریکا به ویژه برخورد دولت آمریکا با مسأله‌ی بازگرداندن شاه به ایران، تقبیح شده بود. هم‌چنین در خصوص پیام اخیر کارتر به امام آمده بود: «این نیرنگ جدید کارتر شبیه همان نیرنگی است که شاه مخلوع در اواخر سلطنت ننگینش زد و در مقابل ملت و روحانیون به چاپلوسی و حيله‌گری پرداخت

۱. خبرگزاری پارس، نشریه‌ی «گزارش‌های ویژه»، شماره‌ی ۱۰، ۱۳۵۹/۱/۱۱، ص ۱۷.

۲. روزنامه‌ی جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۱/۱۱، ص ۱۱.

و دسیسه‌ی او نقش بر آب شد. آقای کارتر باید بداند که فرستادن شاه مخلوع به مصر و عذرخواهی از اشتباهات گذشته و اعتراف به خیانت‌های آمریکا به ملت‌های مظلوم - از جمله ایران - و راه‌حل لانه‌ی جاسوسی را از من که یک نفر از ملت بزرگ ایران هستم خواستن، به بیراهه رفتن است. حل این مسأله به دست هیچ کس جز ملت شریف ایران و مجلس شورای اسلامی منبعث از آرای ملت نیست.»<sup>۱</sup>

رییس جمهور نیز قسمت عمده‌ای از سخنان خود را به مسأله‌ی گروگان‌ها اختصاص داد. وی ابتدا گزارشی از آنچه در مورد این مسأله روی داده بود، ارائه کرد و سپس با قرائت دومین پیام کارتر که خطاب به وی ارسال شده بود گفت: «بعد از این که این پیام آمد، در شورای انقلاب مورد بحث قرار گرفت و شورا تصمیم گرفت که اگر آمریکا طبق یک بیان رسمی اعلام کند که تا تشکیل مجلس و اتخاذ تصمیم از سوی مجلس، درباره‌ی گروگان‌ها نه تبلیغی کند، نه ادعایی کند، نه حرفی بزند و نه تحریکی کند، شورای انقلاب می‌پذیرد که گروگان‌ها را تحت نظارت خود در آورد.»<sup>۲</sup>

مواجهه‌ی آمریکا با آنچه به عنوان مواضع ایران در روز ۱۲ فروردین در قبال مسأله‌ی گروگان‌ها بیان شده بود به صورت پیامی خطاب به رییس جمهور ایران انعکاس یافت.<sup>۳</sup> در این پیام دولت ایالات متحده، نشانه‌ای از پذیرش شرایط مطرح شده از سوی ایران یعنی؛ اعلام رسمی عدم تبلیغ، تحریک و تحرک در مورد گروگان‌ها وجود نداشت. در این برهه، آنچه در صحنه‌ی روابط ایران و آمریکا اتفاق افتاده بود، دو موضع متفاوت بود در حالی که خواسته‌ی منطقی ایران یعنی

۱. امام خمینی، صحیفه‌ی امام، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۱۲، ص ۲۲۰.

۲. روزنامه‌ی انقلاب اسلامی، ۱۴/۱/۱۳۵۹، ص ۱۰.

۳. برای آگاهی از متن کامل پیام ن. ک. به: پیر سالینجر، گروگان‌گیری در ایران، ترجمه‌ی جعفر ثقه الاسلامی، انتشارات نوین، ۱۳۶۲، صص ۳۶۱ - ۳۶۰.

سپردن تعهد رسمی از سوی دولت آمریکا مبنی بر عدم تحریک و تحرک، آشکارا بیان شده بود. دولت ایالات متحده در صدد بود بدون سپردن هرگونه تعهدی به خواسته‌ی خویش یعنی تحویل گروگان‌ها به دولت ایران نایل شود. سیاستمداران آمریکایی تصور می‌کردند با فشارهای سیاسی و برخی ترفندها قادر خواهند بود بدون هیچ تضمینی از سوی خویش سرنوشت گروگان‌ها را به دست دولت ایران بسپارند. موفقیت این سیاست آمریکا با پیروزی قطعی دیپلماسی آمریکایی برای حل و فصل مسأله، مترادف بود. چرا که در صورت تحقق خواسته‌ی دولت آمریکا، وضعیت گروگان‌ها از گرفتاری در یک وضعیت انقلابی، به اسارت در دست دولتی یاغی تغییر می‌یافت و دولت آمریکا به سهولت قادر بود با فشارهای سیاسی و از مجاری بین‌المللی بدون آن که کوچک‌ترین قدمی در راستای برآوردن خواسته‌ی اولیه تسخیر کنندگان لانه‌ی جاسوسی برداشته باشد، اتباع خویش را آزاد ساخته و ضمن اعاده‌ی حیثیت بین‌المللی خود، ضربه‌ای مهلک بر حیثیت سیاسی نظام نوبنیاد ایران وارد آورد.

در ایران هر چند برخی از عناصر حاکمیت از جمله رییس جمهور و وزیر امور خارجه با خوش‌بینی خاصی مسأله را دنبال می‌کردند.<sup>۱</sup> اما اکثر تصمیم‌گیران سیاسی کشور در رأس آن‌ها امام به نیات واقعی دولت ایالات متحده وقوف داشتند. از این رو به هیچ وجه در مقابل نمایش‌های سیاسی دولت‌مردان آمریکایی فریب نمی‌خوردند.

به هر تقدیر، اطلاعیه‌ای که از سوی دفتر امام در روز ۱۸ فروردین ۱۳۵۹، انتشار یافت ضمن آن که به بلا تکلیفی ماجرای گروگان‌ها پایان داد، قدرت دیپلماسی ایران را به رخ آمریکا کشید و باعث آشکار شدن نیات واقعی دولت آمریکا

۱. در این باره بنگرید به مصاحبه‌ی ابوالحسن بنی‌صدر با شبکه‌ی تلویزیونی «ای.بی.سی» آمریکا درج در روزنامه‌ی انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹/۱/۱۶، ص ۴.

و به اجرا درآمدن طرح‌ها و توطئه‌هایی شد که طراحی آن‌ها در طول مدتی انجام شده بود که دولت آمریکا به ظاهر در پی حل و فصل سیاسی مسالمت‌آمیز مسأله بود.<sup>۱</sup> اطلاعاتی یاد شده که پس از تشکیل جلسه‌ای با شرکت رییس جمهور و عده‌ای از اعضای شورای انقلاب در حضور امام، منتشر شد، نظر نهایی امام در مورد گروگان‌ها را به این شرح اعلام داشت: «... گروگان‌ها و سفارت تا تشکیل مجلس شورای اسلامی و تعیین سرنوشت آنان به دست وکلای محترم ملت، به دست دانشجویان مسلمان مبارز باقی می‌ماند. ما بارها تذکر داده‌ایم که حال گروگان‌ها و مکان آنان از هر حیث خوب می‌باشد. برای اثبات این موضوع اگر کسانی بخواهند از سلامت و رفاه آنان مطلع گردند، با نظارت مقامات مسؤول بلامانع است.»<sup>۲</sup>

دولت آمریکا که خود را شکست خورده‌ی صحنه‌ی دیپلماسی یافته بود، به سرعت نسبت به اعلامیه‌ی یاد شده واکنش نشان داد؛ از همین رو کارتر، رییس جمهور ایالات متحده، شب هنگام بر صفحه‌ی تلویزیون ظاهر شد و طی سخنانی اعلام کرد که دستور این اقدام‌ها را صادر کرده است: «قطع رابطه‌ی دیپلماتیک با ایران، اعمال مجازات‌های اقتصادی حتی در زمینه‌ی مواد غذایی و دارو، فراهم آوردن امکان شکایت مالی برای استفاده از دارایی‌های مسدود شده‌ی ایران و لغو صدور روادید جدید و عدم تمدید روادید قبلی ایرانیان»<sup>۳</sup> به این ترتیب و با اعلام رسمی وزارت امور خارجه‌ی آمریکا، در روز ۱۹ فروردین ۱۳۵۹، روابط سیاسی آمریکا با ایران قطع شد.

۱. در این باره ن. ک. به: زیبگنیو برژینسکی، اسرار سقوط شاه و گروگان‌گیری، ترجمه‌ی حمید احمدی، بی‌جا، ۱۳۶۲

۲. روزنامه‌ی انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹/۱/۱۹، ص ۱۲.

۳. خبرگزاری پارس، «نشریه‌ی گزارش‌های ویژه»، شماره‌ی ۱۹، ۱۳۵۹/۱/۲۰، ص ۴.

## ❖ امام و رابطه با آمریکا

---

بررسی اندیشه‌ی امام خمینی (ره) در خصوص رابطه با آمریکا نیز از این منظر اهمیت می‌یابد که این تخاصم تا چه زمانی ادامه خواهد داشت و همچنین مذاکره با آمریکا، در شرایط فعلی و با توجه به اظهارات مقامات سیاسی، تابع چه متغیرهایی است.

به همین منظور، نگاه امام خمینی (ره) به رابطه با آمریکا در سه مقطع زمانی مورد بررسی قرار می‌گیرد که عبارت‌اند از:

۱. پیش از پیروزی انقلاب اسلامی

۲. از پیروزی انقلاب اسلامی تا ۱۳ آبان ۱۳۵۸

۳. از تسخیر لانه‌ی جاسوسی تا رحلت امام خمینی (ره)

### نگاه امام خمینی (ره) به رابطه با آمریکا پیش

#### از پیروزی انقلاب اسلامی

در این دوره از مبارزات سیاسی امام خمینی (ره)، عمده‌ی توجهات و راهبردهای ایشان در مسیر سرنگونی رژیم پهلوی معطوف گردید و بحث رابطه با آمریکا در کلام ایشان صریحاً یافت نمی‌شد، اما ایشان در طول دوران



مبارزه‌ی خود و تا قبل از سال ۵۷ دیدگاه منفی خود را نسبت به ایالات متحده بارها و بارها ابراز کردند و همواره از این کشور (در کنار سایر کشورهای استعمارگر) به عنوان عامل اصلی تیره‌بختی مردم ایران یاد کردند. ایشان در ۴ آبان ۱۳۴۳، در شهر قم، طی سخنانی اعلام می‌کنند: «رئیس‌جمهور آمریکا بداند بدانند این معنا را- که منفورترین افراد دنیاست پیش ملت ما. امروز منفورترین افراد بشر است پیش ملت ما. یک همچو ظلمی به دولت اسلامی کرده است، امروز قرآن با او خصم است، ملت ایران با او خصم است. دولت آمریکا بداند این مطلب را ضایعش کردند در ایران، خراب کردند او را در ایران.»<sup>۱</sup>

همچنان که به روزهای پیروزی انقلاب اسلامی نزدیک‌تر می‌شویم، این دیدگاه امام همچنان ادامه دارد و ایشان در جمع دانشجویان و ایرانیان مقیم خارج (در ۳ آذر ۱۳۵۷) می‌گویند: «... او [آمریکا] خارج نشسته می‌گوید که ما دخالت نمی‌کنیم در مملکت! دخالت نکردن به این معنا که مستقیماً شما بفرستید یک نظامی را بدون اینکه [بهبانه‌ای] باشد و با توپ و تفنگ بفرستید ایران را بگیرند، خوب این حالا نیست؛ اما مستشارها را به عنوان اینکه این‌ها خدمتگزار به ملت هستند، این‌ها می‌خواهند تربیت کنند مثلاً ارتش را، می‌خواهند چه بکنند فرستادید، از آن طرف هم در تمام شئون این مملکت شما دخالت دارید و تصرف دارید.» بنا بر این اظهارات، دیدگاه ایشان طی مقطع تاریخی مورد بحث، کاملاً منفی بوده است و ایشان طی این دوره سعی داشتند تا در مورد نقش آمریکا در امور داخلی ایران افشاگری نمایند.

۱. صحیفه‌ی امام، ج ۱، ص ۴۲۰.

## ۲۲ بهمن ۵۷؛ آغاز رویارویی ایران و آمریکا

اگر تا پیش از این تاریخ حضرت امام (ره) در نقش یک اصلاح‌گر اجتماعی و سیاسی خطاب به ابرقدرت‌های وقت سخن می‌گفتند، اما از هنگامه‌ی پیروزی انقلاب اسلامی بدین سو، بحث کیفیت رابطه‌ی میان حکومت جدید در ایران با کشورهای بیگانه و به خصوص آمریکا و شوروی در محافل داخلی و خارجی به شدت مورد توجه قرار گرفت.

به دیگر بیان، حکومتی در ایران در حال ایجاد پایه‌های سیاسی و اجتماعی خود بود که از یک سو مهم‌ترین ایدئولوژی‌های زمان خود - لیبرالیسم و مارکسیسم - را مردود اعلام کرده بود و از سوی دیگر، رهبر این انقلاب پیش از پیروزی کامل، بارها و بارها نسبت به ابرقدرت‌های غرب و شرق اعلام برائت کرده و از نقش مخرب آن‌ها در تاریخ معاصر ایران سخن به میان آورده بود.

### رابطه‌ی مسالمت‌آمیز و انسانی بر اساس حکمت و مصلحت؛ خط قرمز حکومت جدید

در تاریخ ۵ اسفند ۱۳۵۷ آقای ولادیمیر وینوگرادف، سفیر کبیر اتحاد جماهیر شوروی سابق، به دیدار حضرت امام (ره) می‌رود و ایشان نیز خطاب به نماینده‌ی شوروی می‌گویند:

«ما در طول پنجاه و چند سال سلطنت غیرقانونی سلسله‌ی پهلوی مصیبت‌های زیاد دیدیم... کشور ما از استقلال صحیح محروم بود. ملت ما از این مظالم به جان آمد و قیام کرد... و با دست خالی با رژیم‌می که

به واسطه‌ی پشتیبانی اجانب مجهز شده بود به جِه‌ازات مدرن، مقابله کرد و با ایمان و مشیت غلبه کرد بر ابرقدرت‌ها و ما مصمم هستیم که تا آخر با کسانی که بخواهند در کشور ما مداخله‌ای بکنند مبارزه کنیم. این دولت، دولتِ اسلامی و تحت رهبری رهبران اسلام است و هرگز ظلم به غیر، ولو هر چه ضعیف باشد، روا نمی‌دارد و ظلم از غیر، هر چه قوی باشد، تحمل نمی‌کند.<sup>۱</sup>

علاوه بر این مورد، حضرت امام در پیام ۱۴ ماده‌ای خویش در هنگام ترک تهران به قم (در تاریخ ۹ اسفند ۱۳۵۷)، در خصوص معیارهای نظام سیاسی جدید در ایجاد رابطه با سایر کشورها متذکر می‌شوند:

«ملت شجاع باید توجه داشته باشد که گرچه استبداد داخلی فروریخت و مردم آزادی را لمس کرده‌اند، ولی هنوز ریشه‌های استعمار آمریکا، شوروی، انگلستان و صهیونیسم و سایر دَوْل چپاولگر از این مرز و بوم کاملاً قطع نشده است. باید همه بدون کوچک‌ترین توقف و رکودی در از بین بردن نفوذ کشورهای اجنبی با هم متحد شویم. باید توجه داشت که شاه، این مملکت را چنان در دست اجانب قرار داده است که باید سالیان دراز با عوارضش مبارزه کرد و ما اگر بخواهیم استقلال حقیقی به دست آوریم، باید سعی کنیم تمامی اشکال نفوذ آمریکا، چه اقتصادی و چه نظامی، چه سیاسی و فرهنگی، را از بین ببریم و من امیدوارم که ملت ایران به این مهم هر چه زودتر برسد.»

بر اساس این موارد، معیار رابطه با سایر کشورها (اعم از استعمارگر و غیراستعمارگر) در نظام سیاسی

۱. همان، ج ۶، ص ۲۱۹.

جدید، رابطه بر اساس حکمت و مصلحت و قطع هر گونه رابطه‌ی استعماری و یک‌طرفه است که در این صورت، امکان چشم‌پوشی از خیانت‌های پیشین (به سبب حکومتی که در ایران مستقر بود) وجود دارد.

### تسخیر لانه‌ی جاسوسی؛ فوران خشم انقلابی

اگرچه حضرت امام (ره) سیاست‌های نظام اسلامی را بارها و بارها به کشورهای دیگر یادآوری نمودند، اما ایالات متحده با توجه به ویژگی‌های خاص انقلاب اسلامی از هنگامه‌ی پیروزی آن، از طرق مختلف (خرابکاری‌های امنیتی و تحریک گروه‌های سیاسی مخالف نظام اسلامی) در پی سرنگونی نظام نوپای سیاسی بوده و این مسئله موجب گردید که مردم انقلابی ایران نسبت به این کشور و سفارت آن بدبین و خشمگین شوند و واکنش نشان دهند.

بدین ترتیب در حالی که خصومت آمریکا علیه انقلاب مردم ایران ادامه داشت و در کنار انواع اقدامات علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی، این کشور در یک دهن کجی آشکار، در تاریخ ۳۰ مهرماه ۱۳۵۸، شاه مخلوع را به بهانه‌ی درمان به کشور خود پذیرفت و این مسئله موجب گردید که خشم جامعه‌ی ایرانی فوران کند.

لذا در تاریخ ۱۳ آبان ۱۳۵۸، حدود ۴۰۰ تن از دانشجویان پیرو خط امام (بدون هماهنگی قبلی با حضرت امام) در مقابل سفارت آمریکا تجمع نمودند و پس از ساعاتی، آن را تسخیر کردند. امام (ره) تسخیر لانه‌ی جاسوسی را واکنش طبیعی دانشجویان در مقابل جنایت‌ها و توطئه‌های آمریکا در ایران و حمایت از شاه، پس از فرار از کشور، می‌دانستند و در نخستین اظهارات

رسمی خود، در این باره فرمودند:

«توقع این است که جانی دست اول ما را ببرند آنجا نگه دارند و حمایت از او بکنند و اینجا هم مرکز توطئه درست کنند و مرکز پخش چیزهایی که توطئه‌گری است درست بکنند و ملت ما و جوان‌های ما و جوان‌های دانشگاهی ما و جوان‌های روحانی ما بنشینند تماشا کنند تا خون این ۱۰۰ هزار نفر، تقریباً، هدر برود... اگر این خرابکاری‌ها نبود، اگر آن کار فاسد نبود، همه‌ی مردم آزادند در اینجا موجود باشند، اما وقتی توطئه در کار است، وقتی که آن طور کارهای فاسد انجام می‌گیرد، ناراحت می‌کند جوان‌های ما را. جوان‌ها توقع دارند در این دنیا مملکتشان، که آن قدر برایش زحمت کشیدند، دستشان باشد. وقتی می‌بینند توطئه است که می‌خواهند که دوباره به حال سابق برگردد و دوباره همه چیزشان به باد برود، نمی‌توانند بنشینند.»

بدین ترتیب موضع حضرت امام (ره) در خصوص رابطه با آمریکا همچنان منفی ماند و تغییری نکرد.

### مذاکرات بازرگان با برژنسکی؛ نخستین واکنش

#### منفی حضرت امام (ره)

هم‌زمان با تسخیر لانه‌ی جاسوسی، مذاکراتی بین مهدی بازرگان و برژنسکی در الجزایر (بدون اطلاع قبلی حضرت امام) صورت می‌پذیرد که امام خمینی (ره) بلافاصله پس از اطلاع از این موضوع، در پیامی رسمی، هر گونه مذاکره با آمریکا و نمایندگان آن را رد می‌کنند. ایشان در ۱۶ آبان ۱۳۵۸، در پیامی خطاب به شورای انقلاب، ابلاغ می‌کنند:

«از قرار اطلاع نمایندگان ویژه کارتر در راه ایران هستند و تصمیم دارند به قم آمده و با اینجانب ملاقات نمایند. لهذا لازم می‌دانم متذکر شوم دولت آمریکا که با نگره‌داری شاه، اعلام مخالفت آشکار با ایران نموده است و از طرفی دیگر، آن طور که گفته شده است، سفارت آمریکا در ایران محل جاسوسی دشمنان ما علیه نهضت مقدس اسلامی است، لذا ملاقات با من به هیچ وجه برای نمایندگان ویژه ممکن نیست و علاوه بر این:

۱. اعضای شورای انقلاب اسلامی به هیچ وجه نباید با آنان ملاقات نمایند.

۲. هیچ یک از مقامات مسئول حق ملاقات با آنان را ندارند.

۳. اگر چنانچه آمریکا، شاه مخلوع این دشمن شماره یک ملت عزیز ما را به ایران تحویل دهد و دست از جاسوسی بر ضد نهضت ما بردارد، راه مذاکره در موضوع بعضی از روابطی که به نفع ملت است باز می‌باشد.»<sup>۱</sup>

### پاسخ امنیتی آمریکا و پیمان الجزایر

همانطور که اشاره شد، ایالات متحده به جای پاسخ به شروط ایران از در دیگری وارد شد و طی ۴۴۴ روز تسخیر با عملیات‌های ناموفقی چون کودتای نوژه و طبس و اعمال تحریم‌های اقتصادی و بلوکه کردن اموال ایران در آمریکا سعی در بازگرداندن نیروهای خود داشت.

همان طور که حضرت امام (ره) در بند سوم پیام خود اعلام نمودند، در صورت بازگرداندن شاه مخلوع، راه مذاکره با آمریکا باز خواهد شد و بر همین اساس بود که در آبان ۱۳۵۹ بحث مذاکره با آمریکا با میانجی‌گری

۱. همان، ج ۱۰، ص ۵۰۳

الجزایر عملی شد.

در پیمان الجزایر، در آبان سال ۵۹، آمریکا مطابق ماده‌ی یک بیانیه‌ی عمومی تعهد کرد که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، سیاسی یا نظامی، در امور داخلی ایران مداخله نکند. این تعهد به منزله‌ی پذیرش اولین شرط از شروط چهارگانه‌ی مجلس شورای اسلامی بود. همچنین مطابق مواد ۲، ۳ و ۴، آمریکا متعهد شد که کلیه‌ی تحریم‌های تجاری ایران را لغو کند، اموال محمدرضا پهلوی را به ایران بازگرداند و دارایی‌های ایران را، که پس از بحران گروگان‌گیری توقیف شده بود، آزاد کند. به علاوه طبق بند «ب» بیانیه‌ی عمومی، آمریکا ملزم شد که تمام دعاوی مطرح در دادگاه‌های آمریکا را مختومه و آن‌ها را از طریق داوری بین‌المللی حل و فصل کند. این دعاوی ناظر به دادخواست‌های اتباع و مؤسسات آمریکایی علیه دولت ایران بود که پس از انقلاب اسلامی و به علت عدم اجرای قراردادهای یا پس از بحران گروگان‌گیری، اقامه شده بود و خواهان‌های آمریکایی گرامت می‌خواستند. این تعهدات آمریکا به معنای پذیرش سایر شروط مذکور در تصمیم مجلس بود. اما ایالات متحده بدون توجه به تعهدات خود هیچ کدام را عملی نکرد و این مسئله موجب گردید که روابط فی‌مابین در حالت مقطوع باقی بماند.

### نتیجه‌گیری

رابطه با آمریکا در سپهر اندیشه و عمل حضرت امام (ره) در مقاطع زمانی مختلف دارای چارچوب ثابتی بوده است، یعنی ایشان همواره خواستار قطع رابطه‌ی استعماری و سلطه‌طلبانه‌ی این کشور بودند.

مهم‌تر از همه‌ی این موارد این است که حضرت امام (ره) در پیام پذیرش قطعنامه‌ی ۵۹۸ سازمان ملل متحد، در تبیین اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی، تصریح کردند: «نکته مهمی که همه باید به آن توجه کنیم و آن را اصل و اساس سیاست خود با بیگانگان قرار دهیم این است که دشمنان ما و جهان‌خواران تا کی و تا کجا ما را تحمل می‌کنند و تا چه مرزی استقلال و آزادی ما را قبول دارند. به یقین آنان مرزی جز عدول از همه‌ی هویت‌ها و ارزش‌های معنوی و الهی نمی‌شناسند. به گفته‌ی قرآن کریم، هرگز دست از مقاتله و ستیز با شما بر نمی‌دارند، مگر اینکه شما را از دینتان برگردانند...»



